

Criminological Investigation of the Principles of Crime Survey in the Prevention of Cyberspace Crimes

Ali Mohammadi

Ph.D. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

Seyed Hamid Fatemi Movahed

Assistant Professor of Law, Department of Law, Faculty of Law Enforcement Sciences, Amin University of Law Enforcement Sciences, Iran

Mehdi Moghimi

Associate Professor of Criminology, Department of Criminology, Faculty of Law, Amin University of Law Enforcement Sciences, Iran

dr.hfatemi97@gmail.com

Keywords:

Survey;
Crime,
Prevention,
Cyberspace,
Criminal Statistics.

Abstract

Summary Today examining the principles and basis of crime survey based on criminal statistics is a quantitative method of crime prevention in cyber spaces. Which exists as the black figure of crime, the use of survey methods (victim-oriented survey and offender-oriented survey) has been identified as a model at the national and international level and plays an important role in the criminal policy of countries in the prevention of cyberspace crimes. In terms of practical purpose and in terms of the type of research, this is a descriptive-analytical research that was collected and analyzed using library sources. There are effective solutions in this field, and the use of survey methods in the thinking and criminal policy of each country is very important, and the implementation of a well-considered, efficient and preventive criminal policy, which is one of the concerns of the statesmen in the implementation of security and justice, helps a lot and reduces the crime rate. In cyberspace, which is an unknown world, it helps a lot. The results of this study show that survey principles can reduce the attraction of targets in the cyber environment by using the teachings of cyber criminology and various social and situational preventions through public education. and other regulatory measures to deal with and prevent in the cyberspace, and the survey of crimes as a knowledge about the type of crime, the number of crimes, the age, gender, and judicial records of cybercriminals gives useful information.



.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

بررسی جرم شناختی اصول پیمایشی جرم در پیشگیری از جرائم فضای مجازی

علی محمدی

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

سید حمید فاطمی موحد

استادیار حقوق، گروه حقوق، دانشکده علوم و فنون انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین، ایران.

مهدی مقیمی

دانشیار جرم شناسی، گروه جرم شناسی، دانشکده علوم و فنون انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین، ایران.

dr.hfatemi97@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۲۱ دی ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۳۱ شهریور ۱۴۰۲

چکیده

امروزه بررسی اصول و مبنای پیمایش جرائم با تکیه بر آمار جنایی یک روش کمی در خصوص پیشگیری از جرائم در فضای مجازی می‌باشد پیمایش جرائم به ما اجازه می‌دهد، پدیده مجرمانه در فضای سایبر را به بشناسیم و به قربانیان جرم پی ببریم و با چالش‌های که به‌عنوان رقم سیاه بزهکاری وجود دارد استفاده از روش‌های پیمایشی (پیمایش بزه دیده محور و پیمایش بزهکارمحور) در سطح ملی و بین‌الملل به‌عنوان الگو مشخص گردیده است و نقش مهمی در سیاست جنایی کشورها در پیشگیری از جرائم فضای سایبر ایفا می‌نماید پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب جمع‌آوری و تحلیل شدند یافته‌های پژوهش با تکیه بر مبنای اسنادی بوده که نشان می‌دهد اصول پیمایشی از روش‌های پیشگیرانه در فضای مجازی و ارائه راهکارهای مؤثر در این زمینه می‌باشد و استفاده از روش‌های پیمایشی در اندیشه، سیاست‌گذاری جنایی هر کشور بسیار حائز اهمیت است و اجرایی نمودن سیاست جنایی سنجیده، کارآمد و پیشگیرانه که از دغدغه‌های دولتمردان در برقراری امنیت و عدالت می‌باشد کمک شایانی می‌نماید و به کاهش نرخ جرائم در فضای مجازی که دنیایی ناشناخته است کمک شایانی می‌نماید نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اصول پیمایشی می‌تواند با بهره‌گیری از آموزه‌های جرم‌شناسی سایبری و انواع پیشگیری‌های اجتماعی و وضعی از طریق آموزش همگانی، کاهش جاذبه آماج‌ها در محیط سایبر و سایر تدابیر نظارتی به مقابله و پیشگیری در فضای سایبر بپردازد و پیمایش جرائم به‌عنوان یک دانش راجع به نوع جرم، تعداد جرائم سن، جنس و سوابق قضایی مجرمان سایبری اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد.

کلید واژگان: پیمایش، جرم، پیشگیری، فضای مجازی، آمار جنایی.

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عصر حاضر را به حق عصر فن‌آوری اطلاعات نامیده‌اند. تکنولوژی رایانه امروزه علاوه بر اینکه مورد استفاده مجریان قانون قرار می‌گیرد، مطمح نظر مجرمان نیز قرار گرفته است. بررسی جنبه‌های مختلف جرائم سایبری با استفاده از روش‌های پیمایشی مشخص می‌کند که رایانه‌ها و شبکه‌های ارتباطی، دارای خصوصیتی هستند که فرصت بسیار مناسبی برای مجرمان پدید می‌آورد. هدف از انجام این پژوهش بررسی جرم شناختی اصول پیمایشی جرم در پیشگیری از جرائم فضای مجازی و ارائه راهکارهای مؤثر در این زمینه است که از طریق روش‌های توصیفی، از نوع اسنادی و مراجعه به آثار مکتوب اعم از کتاب، مقاله و سایت‌های مرتبط به این موضوع، استخراج شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های پیمایشی با تکیه بر آموزه‌های جرم‌شناسی سایبری و انواع پیشگیری‌های اجتماعی و وضعی از طریق آموزش همگانی، افزایش خطرات ارتکاب جرم، کاهش جاذبه آماج‌ها، گشت‌زنی در محیط سایبر و به‌کارگیری نرم‌افزارهای تخصصی اعلام‌خطر و سایر تدابیر نظارتی به مقابله و پیشگیری در فضای سایبر بپردازد. بی‌شک امروزه آمار و اطلاعات جنایی مهم‌ترین بحث در برنامه‌ریزی و سیاست جنایی است و مبنای‌ترین بحث در مورد پیشگیری است. بدون اطلاعات و آمار امکان برنامه‌ریزی، تدوین، اجرا و ارزیابی وجود ندارد و پیش برد امور بدون برنامه‌ریزی نه امکان‌پذیر است و نه موفق. پیمایش جرائم یکی از ابزارهای مهم برنامه‌ریزی بشمار می‌آید؛ و پیش‌گیری بدون برنامه‌ریزی امکان ندارد و برنامه‌ریزی مستلزم استفاده از ابزاری است و یکی از ابزارهایی که می‌تواند اطلاعات لازم را برای تنظیم برنامه و سیاست‌گذاری در زمینه پیش‌گیری از جرم در اختیار تصمیم‌گیران سیاست جنایی قرار دهد، پیمایش جرائم و آمار جنایی است. پیمایش جرائم دانش نوزادی است که اساس و پایه تحقیقات عینی امور جنایی قرار گرفته است (کی‌نیا، ۱۳۷۶: ۶۷). پیمایش جرائم راجع به نوع جرم، تعداد جرائم و مجرمان، سن، جنس و سوابق قضایی آن‌ها اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد. نخستین آمار سالانه‌ی ملی در زمینه جرم، در فرانسه در سال ۱۸۲۷ منتشر شد و سپس آندره میشل‌گری^۱ به سال ۱۸۲۹ نتایج اولیه تحقیقات خود و در سال ۱۸۳۳ کتاب خود را تحت عنوان «پژوهش در آمار اخلاقی فرانسه» منتشر ساخت. دومین فردی که به آمار جنایی توجه کرد آدولف کتله^۲ می‌باشد که امروزه به‌عنوان پدر آمار جنایی شناخته می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۹). بزهداری در یک معنا به معنی مجموعه جرائم ارتکابی در یک مکان معین و در یک‌زمان و در بین یک جمعیت معین است (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۱۲). امروزه یکی از اهداف مهم دولت‌ها دستیابی به رشد و توسعه در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... است. برای تحقق این هدف مهم، وجود قوانین و مقررات لازم و دقیق، وجود امنیت و کنترل و کاهش جرم و جنایت در جامعه بسیار مهم می‌باشد. افزایش جرم و جنایت از موضوعاتی است که به‌عنوان خط قرمز جوامع محسوب می‌شود و دولت‌های مختلف بسته به نگرش و نوع نظامی که به‌وسیله آن به اداره امور جامعه می‌پردازند به این پدیده واکنش می‌دهند در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان نرخ‌های جرائم رو به کاهش است، اما جرم در برخی کشورهای در حال توسعه همچون ایران کاهش نیافته بلکه روند افزایشی نیز داشته است (پوراحتشام و محدثی فر، ۱۳۹۷: ۱۳۷). و از مهم‌ترین تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی که امروزه منجر به ناامنی در جوامع پیشرفته و در حال توسعه از جمله کشور ایران شده است وقوع جرائم در فضای سایبر می‌باشد. وقوع جرائم سایبری منجر به تخریب هویت ملی و دینی و افزایش آسیب‌های فرهنگی و سیاسی می‌باشند تفاوت‌های جرائم سایبر با جرائم سنتی به‌گونه‌ای است که رویکرد کیفی متعارف و اصول و مبانی شناخته‌شده آن برای مقابله با این جرائم پاسخگو نیستند. فرامرز بودن، سهولت ارتکاب جرم و ناشناختگی مجرمین از جمله خصایص این‌گونه جرائم‌اند ویژگی‌های مذکور از یک‌سو و وابستگی‌های ساختارهای زندگی مدرن به فناوری سایبر از یک‌سوی دیگر، استفاده از روش‌های پیمایشی را ضروری ساخته است جهت مقابله با تأثیر فضای مجازی در تکوین جرم، همچون فضای مادی، ابتدا باید به مطالعه علمی جرم پرداخته شود تا بتوان از طریق شناسایی علل وقوع جرم، تدابیر پیشگیرنده لازم را اتخاذ نمود. به عبارتی دیگر در فضای مجازی نیز همچون فضای مادی، بدون جستجوی علل وقوع جرم، ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری و مقابله با جرم، غیرممکن خواهد بود.

۱. پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده در ایران طرح جامعی در خصوص پیمایش جرائم و نقش آن در پیشگیری از جرائم در فضای صورت نگرفته است ولی برخی طرح‌ها در حوزه نرخ جرائم و پیشگیری از جرائم فضای مجازی انجام شده است که تا حد کمی با موضوع مورد بحث قرابت دارد که شامل موارد ذیل می‌باشد.

رشیدیان و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی در زمینه «نرخ جرم» که با استفاده از روش دلفی انجام پذیرفت مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشگیری از جرم را بهبود و ارتقا وضعیت موجود جامعه از نظر ابعاد اقتصادی، کالبدی-زیرساختی، حقوقی-قضایی، امنیتی-انتظامی، اجتماعی و فرهنگی بیان نمودند.

پور احتشام و محدثی فر (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین جرم و نرخ باروری با رشد اقتصادی» بیان نمودند که مشکلات اقتصادی و به‌طور ویژه نرخ بیکاری زمینه بروز جرم و افزایش نرخ جرم را افزایش می‌دهند آنان به‌عنوان یک پیشنهاد بیان می‌کنند که افزایش اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت اقتصادی می‌تواند در کاهش نرخ جرم جامعه تأثیرگذار باشد.

مودن زادگان و نوروزی (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «علل و عوامل ارتکاب جرم و راه‌های پیشگیرانه از آن» نشان دادند که عوامل فردی و اجتماعی و برخی اختلافات فرهنگی و اختلالات روانی در ارتکاب جرم مؤثر هستند آنان بهبود شرایط اجتماعی، ارتقا آموزش جامعه و فرهنگ‌سازی مناسب و همچنین اصلاح برخی قوانین در پیشگیری از وقوع جرم را پیشنهاد دادند.

جلالی فراهانی (۱۳۸۹)، کنوانسیون جرائم سایبری و پروتکل الحاقی در این کتاب محقق پیشگیری وضعی جرائم سایبری را بهترین و مناسب‌ترین راه می‌داند؛ که البته این پیشگیری با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد که از جمله آن، نقض حقوق بشر می‌باشد. محقق در این مقاله مفهوم پیشگیری وضعی و همچنین ماهیت جرائم سایبری و انواع تدابیر پیشگیری وضعی بیان کرده است و در پایان به نتیجه‌گیری آن پرداخته است.

رضوی (۱۳۸۶)، جرائم سایبری و نقش پلیس در پیشگیری از این جرائم و کشف آن‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی در این مقاله بیان شده است که: با توجه به خلأهای موجود در قوانین داخلی، نیروهای انتظامی برای پیشگیری از این جرائم و کشف آن‌ها، در عمل با مشکلاتی مواجه هستند و این در حالی است که امروزه پلیس با استفاده از فناوری‌های نوینی که در عرصه نرم‌افزارهای تخصصی پلیس به وجود آمده است، می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرائم مزبور نقش مؤثری داشته باشد. از آنجاکه جرائم سایبری ویژگی‌های منحصر به فردی دارند، مأمورانی که به کشف و بررسی این جرائم می‌پردازند، باید آموزش‌های تخصصی وسیع و جامعی را در خصوص رایانه و اینترنت فراگیرند تا در این زمینه به نتایج مطلوب‌تری دست یابند. با توجه به آن‌که دلایل ارتکاب جرم در فضای مجازی، عمدتاً ادله الکترونیکی می‌باشند، ضرورت آموزش‌های تخصصی در خصوص رایانه و اینترنت به مأموران پلیس بیشتر آشکار شود.

وایت و همکاران (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نرخ بیکاری و نرخ جرم» به بررسی نرخ بیکاری و نرخ جرم در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ پرداخت و بیان نمودند که نرخ بیکاری در نرخ جرم تأثیر چشمگیری دارد و ژونگ مین در بررسی نرخ جرم در کشورهای انگلستان و ولز بر اساس این مدل داده‌های نشان دادند که ارتکاب جرم ذاتاً متأثر از عوامل اقتصادی-اجتماعی است لذا برای کاهش آن باید به دنبال رفع مشکلات اجتماعی-اقتصادی و بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی جامعه بود.

۲. مبانی نظری پژوهش

از مهم‌ترین تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی که امروزه منجر به ناامنی در جوامع پیشرفته و در حال توسعه از جمله کشور ایران شده است وقوع جرائم در فضای سایبر می‌باشد. وقوع جرائم سایبری منجر به تخریب هویت ملی و دینی و افزایش آسیب‌های فرهنگی و سیاسی

می‌باشند. در واقع، وقوع این جرائم را می‌توان ناشی از تأثیرات مدرنیته بر جوامع صنعتی دانست. در این میان نقش اصول پیمایشی جرم در جامعه غیرقابل انکار می‌باشد. همچنین با افزایش قارچ گونه جرائم در فضای سایبر می‌طلبد تا در راستای پیشگیری از وقوع جرائم اقدامات لازم صورت پذیرد امروزه جرم‌شناسی به‌عنوان علمی میان‌رشته‌ای به‌صورت مطالعه علمی ماهیت، دامنه و عوامل وقوع رفتار مجرمانه باهدف کنترل آن تعریف می‌شود بنابراین عقیده جرم‌شناسان پوزیتیویست، در تعریف پیش‌گفته مراد از مطالعه علمی، مطالعه تجربی است. به‌بیان‌دیگر، نه‌تنها باید موضوع علم جرم‌شناسی جزء ملموسات و محسوسات باشد، بلکه روش پژوهش آن نیز باید به‌صورت تجربی و مبتنی بر مطالعات میدانی صورت پذیرد؛ تا جایی که برخی از جرم‌شناسان نظریه‌هایی را که دارای روش تجربی نیستند، جزء نظریه‌های مبل‌نشینانه محسوب می‌کنند (وایت و هینز، ۱۳۸۵: ۱۰۱). در چنین فضایی نقش اصول پیمایشی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه انجام پژوهش‌های تجربی روشن می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اگر نظام عدالت کیفری کشوری دارای جامعه آماری غنی نباشد، طبیعتاً از ارائه نظریه‌های علمی قوی نیز بی‌بهره خواهد بود (گسن، ۱۳۸۵: ۵۷). لذا با استفاده از نظریه‌های جرم‌شناسی به تبیین جرم در فضای مجازی و نقش اصول پیمایشی جرم می‌پردازیم.

۱.۲. نظریه‌های جرم‌شناسی در تبیین نقش فضای مجازی

بهره‌گیری از نظریات مختلف جرم‌شناسی به نقش اینترنت و فضای مجازی در فراهم آوردن فرصت‌های ارتکاب جرم و بروز رفتارهای مجرمانه در دو محور نظریه‌های بزه‌کار محور و نظریه‌های بزه دیده محور به شرح زیر است.

۱.۱.۲. نظریه‌های بزه‌کار محور

نظریه تأثیر فضای مجازی در وقوع جرم با عنایت به نظریه‌های عام جرم‌شناسی همچون نظریه‌های معاشرت ترجیحی، نظریه تعارض فرهنگی و جرم‌شناسی رسانه بررسی می‌شود تا از طریق شناخت بهتر اقدامات لازم مبنی بر مبارزه با جرائم فضای مجازی فراهم شود.

۱.۱.۱.۲. نظریه معاشرت ترجیحی

بر اساس این نظریه که توسط ساترلند ارائه شده است رفتار مجرمانه بر اثر تعامل با اشخاص دیگر آموخته می‌شود در این فرایند یادگیری هم فنون ارتکاب رفتار مجرمانه و هم انگیزه‌های انجام آن آموخته می‌شود (رحیمی نژاد، ۱۳۹۴: ۹۰). و هنگامی که قانون‌شکنی قوی‌تر مطلوب‌تر از تعاریف مخالف قانون‌شکنی باشد. فرد به بزه‌کاری روی می‌آورد بدیهی است که تأثیر این معاشرت ما تابعی از طول مدت تماس، میزان تماس و حجم آن است و گروه‌هایی که فرد با آنها تماس مکرر داشته و مدت‌زمان زیادی در تعامل با آنها بوده است و بیشترین تأثیر را بر رفتار او خواهند گذاشت. هرچند این نظریه در خصوص تحلیل جرائم سنتی در دنیای حقیقی ارائه شده ولی نظر به قابلیت آن در توضیح انواع فعالیت‌های مجرمانه در خصوص یادگیری جرم از طریق معاشرت در فضای مجازی نیز کارایی دارد. چون به علت وجود ارتباطات بدون مرز در اینترنت در این فضا نیز گروه‌های مجرمانه می‌توانند با افراد زیادی در نقاط مختلف جهان ارتباط برقرار کرده و الگوهای مجرمانه خود را ارائه دهند و کاربران به حاشیه رانده شده در فضای حقیقی نیز در اثر معاشرت با این گروه‌ها که از طریق شبکه‌های اجتماعی چت روم‌ها و وب سایت‌ها ممکن می‌گردد، فنون و انگیزه‌های ارتکاب جرم را می‌آموزند نظر به اینکه در اینترنت محدودیتی از جهت مدت و تواتر دسترسی به صفحات وب جهت برقراری ارتباط با مجرمین وجود ندارد می‌توان اذعان داشت در مقایسه با فضای واقعی معاشرت‌های ترجیحی در این فضا به‌طور گسترده‌ای قابل تأثیرگذاری است. از جمله گروه‌های مهم معاشرت، ترجیحی که افراد مستعد بزه‌کاری از طریق فضای مجازی با آنان تعامل می‌کنند، گروه‌های تروریستی می‌باشد. برخی از افراد جامعه از جمله جوانان گاه به علت وجود تبعیض در سرزمین محل زندگی خود و در نتیجه احساس عدم تعلق به آنجا و کسب حمایت لازم از گروه‌های تروریستی با آنها به‌صورت مجازی معاشرت نموده و به علت تواتر معاشرت، معانی موافق با تروریسم را قبول کرده و این تعاریف را با نظام اعتقادی خویش عجین می‌نمایند (جیشانکار، ۲۰۵: ۱۳۹۴). این امر در زندگی واقعی آنها نیز تأثیر گذاشته و چه‌بسا ممکن است منجر به عضویت آنان در گروه‌های مورد نظر شده و حتی به ارتکاب اعمال تروریستی منجر گردد.

۲.۱.۱.۲. نظریه تعارض فرهنگی

برخی از جرائم ارتكابی متأثر از اینترنت با توجه به نظریه تعارض فرهنگی قابل تبیین است. طبق این نظریه که توسط توماس سلین ارائه شده است قواعد و هنجارهای حاکم بر رفتار انسان‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است و جرم حاصل کشمکش‌ها و نزاع‌های میان این هنجارها و قواعد است (رحیمی نژاد، ۱۳۹۴: ۹۳). طبق این نظر، هرچقدر جوامع ناهمگن‌تر باشند هنجارهای رفتاری مشترک کمتر بوده و در نتیجه آمار جرم بیشتر خواهد بود. در واقع از نظر سلین دو نوع تعارض فرهنگی وجود دارد که عبارتند از تعارض اولیه و تعارض ثانویه. تعارض و منازعه اولیه وقتی است که دو فرهنگ مختلف از حوزه‌ها و کشورهای مختلف بر رفتار حاکم باشد. تعارض فرهنگی ثانویه هنگامی است که فرهنگ یک گروه خاص با فرهنگ گروه بزرگ‌تر در داخل یک جامعه در تعارض باشد تعارض فرهنگ‌ها از نوع اولیه معمولاً در بستر مهاجرت یا استعمار رخ می‌دهد. شاید در نگاه نخست این‌گونه تصور شود که این نظریه در خصوص توجیه جرائم سستی در دنیای واقعی مطرح شده است چراکه عوامل تعارض فرهنگی اعم از مهاجرت و یا استعمار فقط در دنیای واقعی رخ می‌دهد پس نمی‌توان آن را به جرائم متأثر از فضای مجازی ارتباط داد. در حالی که نمی‌توان انکار کرد که امروزه از طریق پست‌هایی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، مردم سراسر جهان این امکان را پیدا کرده‌اند که از محل زندگی سبک زندگی کار و طرز تفکر دیگران در دورترین نقطه جهان اطلاع کسب نمایند متأسفانه تأثیر و تأثر ناشی از این ارتباطات به صورت متقابل نیست زیرا عمدتاً شرکت‌های تجاری بین‌المللی عظیم‌الجثه با استفاده از همین امکان به ترویج تولیدات خود پرداخته و با جهت دادن به سلیق و احساسات کاربران، موجب مصرف‌زدگی هر چه بیشتر کاربران اینترنتی به‌ویژه شهروندان کشورهای درحالی که توسعه می‌شوند پس با اندکی تأمل درمی‌یابیم همان‌گونه که قبض بازارهای جهانی با استفاده از اینترنت و با تحت تأثیر قرار دادن کاربران از راه دور میسر است تحقق جرائم ناشی از برخورد فرهنگ‌های مختلف و متعارض نیز لزوماً نیازمند حضور فیزیکی افراد در حوزه کشورهای دیگر به‌عنوان مهاجر و با استعمارگر نیست. زیرا به علت جهانی بودن و فرامرزی بودن اینترنت هر کاربر بدون مهاجرت فیزیکی در داخل کشور خود با مؤلفه‌های فرهنگی کشورهای مختلف جهان مواجه می‌شود که برای او آشنا می‌باشد فلذا ممکن است دچار تعارض شده و برحسب علاقه به تطبیق خود با فرهنگ موردنظر تمایل پیدا کند. غافل از اینکه قواعد رفتاری موردنظر وی، هرچند در فرهنگ کشور دیگر جرم قلمداد نمی‌شود نظیر جرائم جنسی توأم با رضایت در کشورهای اروپایی ولی در قلمروی کشوری که او زندگی می‌کند جرم بوده و گاه مجازات سنگین‌تری نیز دارد.

۳.۱.۱.۲. نظریه جرم‌شناسی رسانه

تردیدی نیست که هر رسانه بعضاً به دلیل برداشت نادرست مخاطبینش از محتوای آن رسانه و گاه به علت ترویج مستقیم یا غیرمستقیم جرم، ممکن است ایجاد فرهنگ بزهکارانه را در مخاطبین خود رقم بزند. تأثیر منفی برنامه‌های رسانه‌ای بر کودکان و نوجوانان که هنوز از قدرت تحلیل و تفسیر ناتوان هستند (آقایی، ۱۳۹۶: ۳۱). و نیز بر آنانی که فاقد سواد رسانه‌ای هستند به مراتب بیشتر از دیگران است. در این خصوص نفوذ اینترنت به‌عنوان ابر رسانه عصر معاصر به دلیل جهان‌شمولی و نیز ارتباط دوسویه آن با مخاطبین چشم‌گیرتر است. حضور بلامنزاع اینترنت در زندگی روزمره شهروندان باعث گردیده است که بیشتر دانسته‌های مردم در ارتباط با امور مختلف زندگی حول محور فضای مجازی بچرخد این آموزه‌ها با معرفی الگوهای فکری و فرهنگی مختلف در جهت‌دهی ارزش‌ها و باورهای مردم تأثیری انکارناپذیری داشته و گاه زمینه فرهنگی مستعدی برای سوق دادن آن‌ها به انواع جرائم و انحرافات فراهم می‌آورد. دسترسی جهانی به فضای مجازی از جمله اینترنت، علاوه بر اینکه باعث می‌شود مجرمین با به اشتراک گذاردن محتوای غیرقانونی و خلاف اخلاق از طریق ارتباطات برخط و شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه جلب توجه کاربران به تدریج بر افکار و عقاید آن‌ها تأثیرگذارند، همچنین باعث به حساسیت‌زدایی آنان نسبت به قبح رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه شده و در نتیجه موجب گرایش آنان به اعمال مجرمانه شوند. وانگهی وجود فضای مجازی اشکال جدیدی از بزهکاری و بزه دیدگی از جمله آن راه‌اندازی سایت‌های نفرت، حملات سایبری سوءاستفاده جنسی از کودکان و انتشار ویروس را ایجاد نموده است که همه این جرائم با نگاه جرم‌شناختی نسبت به اینترنت قابل تحلیل و بررسی است

به طوری که گفته می‌شود در حوزه، رسانه مفاهیم، تعاریف و تجربه جرم و کنترل آن متحول شده است و این امر چالش‌های جدیدی فراروی جرم‌شناسان رسانه ایجاد نموده است در واقع می‌توان گفت از منظر جرم‌شناسی، رسانه تحلیل فضای مجازی و اینترنت ازدوجت واجد اهمیت بررسی است اول اینکه اینترنت به‌عنوان فراهم‌کننده بستر ارتکاب جرم است و دوم اینکه آن می‌تواند به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم نیز باشد. از منظر نخست باید ذکر شود که برخی از محتواهای اینترنتی باهدف قرار دادن باورهای مردم بالأخص جوانان و تحت تأثیر قرار دادن الگوهای رفتاری و فرهنگی آنان از طریق عادی‌سازی ارتکاب جرائم بستر لازم جهت ارتکاب جرم و رفتارهای انحرافی در دنیای واقعی را مهیا می‌سازند. امروزه ضرورت بررسی چنین جرائمی که به تأسی از جرائم انعکاس یافته از رسانه‌ها ارتکاب می‌یابد سبب بروز رشته مطالعاتی جدیدی شده است که با عناوینی چون جرائم تقلیدی شناخته می‌شود (سید ثانی زاده، ۱۳۹۲: ۸۲۳). با توجه به رویکرد دوم نیز می‌توان اذعان نمود فضای مجازی به‌عنوان ابزاری فنی جهت ارتکاب جرائم اعم از جرائم کلاسیک و جدید به کار گرفته می‌شود به طوری که برخی جرائم مانند قماربازی و هرزه‌نگاری که سالیان متمادی به‌طور سنتی و محدود به وقوع می‌پیوستند امروزه با بهره‌گیری از اینترنت در مقیاس خیلی گسترده‌ای ارتکاب یافته و در مقایسه با اشکال سنتی آن تبعات زیان‌بارتری متوجه جامعه می‌سازند. برخی جرائم نیز همچون مک کردن، دسترسی‌های غیرمجاز و تروریسم سایبری که قبل از پیدایش شبکه جهانی اینترنت وجود نداشته‌اند، از جمله اشکال نوین بزهکاری هستند که با ظهور اینترنت یا به عرصه وجود گذاشته‌اند به جرائم گروه نخست اصطلاحاً جرائم مرتبط با فضای سایبر و به جرائم گروه دوم، جرائم سایبری محض گفته می‌شود در واقع فضای مجازی فرمت‌های جدیدی جهت ارتکاب جرائم سنتی و مدرن فراهم آورده است که قبل از پیدایش اینترنت وجود نداشته است.

۲،۱،۲. نظریه‌های بزه دیده محور

در بررسی نظریه‌های جرم‌شناسی پرداختن به دیدگاه‌های بزه دیده مدار از حیث شناخت فرصت‌های مجرمانه و آماج جرم در فضای مجازی جهت اتخاذ تدابیری مبنی بر مهار بزهکاری از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم را و نیز مدیریت مناسب عوامل محیطی که فرصت‌های مناسب ارتکاب جرم را فراهم می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۴۵). ضروری به نظر می‌رسد. در واقع با شناسایی آماج جرم در این فضا می‌توان از طریق دشوارسازی دسترسی به آن و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم در مسیر ارتکاب آن موانعی ایجاد کرده و از بزه دیدگی آماج پیشگیری نمود. در این راستا از نظریه‌هایی چون نظریه‌های فعالیت روزمره، سبک زندگی و انتخاب عقلانی می‌توان بهره گرفت.

۱،۲،۱،۲. نظریه فعالیت روزمره

طبق این نظریه که توسط کوهن و فلسون ارائه شده است موقعیت‌های پیش‌جنایی و آماج جرم تأثیر چشمگیری بر تصمیم فرد در ارتکاب جرم خواهد داشت. آن‌ها در این نظریه وجود سه عامل را برای ارتکاب جرم ضروری می‌دانند که عبارتند از: ۱. وجود بزهکار با انگیزه ۲. آماج مناسب ۳. نبود محافظ توانمند در برابر تخلف *هرچند عوامل ساختاری این نظریه مربوط به فضای واقعی می‌باشد ولی امروزه با توسعه دامنه جرائم به محدوده فضای سایبر، مفاهیم موجود در نظریه فعالیت روزمره می‌تواند با ویژگی‌های فضای مجازی نیز قابل تطبیق بوده و به‌عنوان چهارچوبی برای شناخت رابطه رفتارها و شرایط خاص بایزه دیدگی در این فضا مورد استفاده قرار بگیرد. کارایی این نظریه دیگر مستلزم ملاقات مادی بزهکار و بزه دیده در زمان و مکان فیزیکی نمی‌باشد و برخلاف جرائم ارتکابی در دنیای مادی که فضا و محیط فیزیکی عامل اتصال مجرم با آماج جرم است در جرائم سایبری فضای مجازی همچون وب سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی، چت روم‌ها و ایمیل‌ها عاملی برای مواجهه بزهکار با انگیزه با آماج جرم خواهد بود. در واقع استفاده روزمره از اینترنت به‌عنوان پدیده‌ای جدید در کسب‌وکار منزل و تفریح، علاوه بر اینکه موجب ایجاد تعاملات مثبت بین کاربران گردیده، همچنین باعث شده است که کاربران روزانه به دلیل اختصاص دادن اوقات زیادی از زندگی خویش به صرف ارتباطات برخط خود را در معرض فزاینده بزه دیدگی قرار دهند. به عبارت دیگر مشارکت در فعالیت‌های روزمره برخط فرصت‌هایی جزایی به ارمغان می‌آورد، فلذا با ایجاد امنیت در فضای سایبر و حمایت

از اقداماتی که در راستای کاهش این فرصت‌ها صورت می‌گیرد می‌توان در کاهش بزه دیدگان سایبری مؤثر واقع شد. نظر به اینکه اکثر آماج جرائم سایبری در مورد اطلاعات است کاربرانی که همواره تلاش می‌کنند بر این اطلاعات از طریق نفوذ در سایت‌ها و رایانه‌های دیگران دست یابند. به‌طور بالقوه مجرمین بانگیزه‌ای هستند که در صورت اجتماع مؤلفه‌های دیگر از جمله وجود کاربران اینترنتی که دارای اطلاعات مطلوب برای هکرها هستند آماج مناسب و فقدان سیستم‌های حفاظتی همچون پالایش آنتی‌ویروس و دیوارهای آتشین نبود محافظ طعمه‌های خود را شکار خواهند نمود. معیارهای لازم برای مناسب بودن آماج ارزشمند بودن، مقاومت‌پذیری، رؤیت‌پذیری و دسترس‌پذیری آماج می‌باشد بهره‌مند و دیگران که در مجرم به‌طور خاص بررسی می‌شود مثلاً در جرائم علیه مالکیت معنوی، آنچه برای مرتکب ارزش دارد، فیلم، موسیقی نرم‌افزار و... می‌باشد یا در جرمی مثل هرزه‌نگاری، هدف مناسب محصول غیرقانونی است که جهت کسب لذت معامله می‌شود. فلذا ارزش داشتن آماج جرائم سایبر نیز همچون جرائم سنتی از مؤلفه‌های لازم برای جذب مرتکب بانگیزه بوده و می‌تواند بسته به نوع جرم و هدف مرتکب متغیر باشد. در زمینه ضابطه مقاومت، پذیرگی اگر آماج مقاوم‌سازی نشده و از ایمنی کافی برخوردار نباشند، بیشتر در معرض تهاجم قرار خواهند گرفت. مثلاً شناسایی حفره‌های امنیتی از قبیل به‌روزرسانی نرم‌افزارها به دلیل شناسایی و رفع حفره امنیتی در نسخه جدید و... آماج را تقویت نموده و مانع از سرقت اطلاعات و ورود صدمه به نرم‌افزارها و سخت‌افزارها و... می‌شود در خصوص معیار مشاهده‌پذیری اهداف با عنایت به جهانی بودن فضای مجازی و محصور نبودن آن با مرزهای مادی، آماج اینترنتی می‌تواند در هر نقطه جهان برای مجرمین بانگیزه فضای مجازی قابل‌رؤیت باشد. همچنین به دلیل فرامرزی و نیز سیال بودن این فضا اهداف موردنظر حتی قابل‌دسترس‌تر از فضای واقعی می‌باشد، علاوه بر آن به لحاظ فنی مرتکبان این عرصه امکان مانور بیشتری جهت زدودن ردیای خود در فضای سایبری و در نتیجه قرار از قانون خواهند داشت عامل دیگری که در قابلیت اعمال نظریه فعالیت روزمره بر جرائم سایبری باید به آن توجه داشت. سرعت اینترنت کاربران است. بدین معنا که افرادی که سرعت بالاتر و دسترسی آسان‌تری به اینترنت دارند کمتر احتمال دارد که آلوده به انواع بدافزارها شوند لذا سرعت اینترنت می‌تواند در کاهش ریسک آسیب‌های اینترنتی تأثیر داشته باشد (ابوذری، ۱۳۹۵: ۱۴۱). وانگهی سایت‌های هرزه‌نگاری یا سایت‌هایی که نرم‌افزارهای رایگان ارائه می‌دهند موقعیت‌های خوبی جهت به دام انداختن قربانیان جرائم کیفیت و قلمروی فعالیت‌های افراد در فضای مجازی در گرفتار شدن آنان در چنگال بزهکاران سایبری تأثیر بسیاری دارد. زیرا بزهکاران بانگیزه می‌توانند بدافزارها را در قالب فایل موردنظر کاربر، پنهان کرده و او را طعمه خود سازند همچنین داشتن رفتارهای پرخطر مثل ارائه اطلاعات شخصی در ارتباطات برخط به اشخاص غریبه که با آن‌ها فقط به‌صورت برخط ارتباطی صورت پذیرفته یا ارائه آن اطلاعات به اشخاصی که قابل‌اعتماد نیستند آماج مناسبی برای مرتکبین مهیا ساخته و در نتیجه خطر بزه دیدگی برخط را افزایش داده و حتی ممکن است منجر به بزه دیدگی فیزیکی نیز بشود. در نهایت باید اذعان شود در فضای مجازی ماهیت محافظین نسبت به فضای فیزیکی متفاوت است و به تبع تحول شیوه‌های ارتکاب جرائم سایبری افق‌های تازه‌ای در این راستا گشوده می‌شود. کسب مهارت‌های رایانه‌ای توسط کاربران مدیریت کلمه عبور، به‌کارگیری سیستم‌های حفاظتی همچون نرم‌افزارهای ضدویروس و دیوارهای آتشین، مسدود نمودن سایت‌های غیرقانونی پالایش محتوای مجرمانه و اتخاذ سایر تدابیر امنیتی شاید بتواند به‌عنوان محافظ عمل کرده و در کاهش بزه دیدگی‌های اینترنتی مؤثر واقع گردد.

۲،۲،۱،۲. نظریه سبک زندگی

این نظریه که از جمله نظریه‌هایی است که با محوریت قرار دادن بزه دیده و بررسی شیوه زندگی او به تحلیل جرائم می‌پردازد به گات فردسن و میندلانک منسوب می‌باشد به‌موجب این نظریه بین سبک زندگی خطرناک و ویژه دیده شدن افراد رابطه وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر سبک زندگی افراد و فعالیت‌های شغلی و تفریحی آنان می‌تواند در کاهش یا افزایش خطر بزه دیده شدن آن‌ها تأثیر به‌سزایی داشته باشد. تردیدی نیست این نظریه در مورد قربانیان جرائم سایبر نیز می‌تواند مصداق داشته باشد بدین معنی که اگر کاربران در سطوح پایینی از آگاهی‌های نرم‌افزاری و امنیتی باشند و مرتکب رفتارهای پرخطری در فضای مجازی شوند (مالمیروزرخ، ۱۳۸۹: ۶۴). احتمال بیشتری

وجود دارد که خود را در معرض بزه دیدگی جرائم سایبری قرار دهند. امروزه هر کاربر بر اساس علایق و سلیق خویش در فضای مجازی حضور دارد و به طرق مختلفی همچون چت روم ایمیل شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌ها یا دیگر کاربران ارتباط برقرار می‌کند به طوری که کمتر کسی است که در چندین شبکه اجتماعی عضو نبوده و روزانه زمانی را جهت جولان در فضای مجازی اختصاص نداده باشد. چنانچه کاربران در تعاملات خود، تدابیر امنیتی کافی به کار نگیرند و از ابزارهای غیرمطمئن استفاده کنند، احتمال بیشتری وجود خواهد داشت که موجبات بزه دیده شدن خود را فراهم آورند. همچنین در مواردی اتفاق می‌افتد کاربران بدون توجه به تبعات زیان‌بار عمل خود اطلاعات و جزئیات زندگی خصوصی خود را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند و بزهکاران با سوءاستفاده از همان اطلاعات جرائمی علیه آن‌ها در فضای مجازی یا فضای حقیقی مرتکب می‌شوند فلذا لازم است کاربران در راستای تأمین امنیت خود در فضای مجازی و جهت گرفتار نشدن در دام شکارچیان این فضا، احتیاط‌های لازم را به کار بگیرند استفاده از گذرواژه‌ها به خصوص گذرواژه‌های چند مؤلفه‌ای بازیست‌سنجی، امضای دیجیتال استفاده از ضد بدافزارها بستن پورت‌های غیرضروری اعتماد نکردن به سایت‌هایی که نرم‌افزار رایگان با ارزان ارائه می‌کنند قطع نمودن ارتباطات مجازی با غریبه‌ها جز در موارد ضروری و دیگر تدابیر امنیتی سلبی یا ایجابی می‌تواند در این راستا مؤثر واقع شود.

۳.۲.۱.۲. نظریه انتخاب عقلانی

کلارک و کورنیش از جمله پیشگامان این نظریه می‌باشند. هسته اصلی این نظریه تشریح انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم به‌عنوان تلاشی برای رفع نیازهای عادی است بر این اساس فرد موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم را باهدف کسب سود در طی یک فرایند عقلانی موردسنجش قرار می‌دهد و حاصل این بررسی تصمیم‌گیری در مورد جرم یا انصراف از آن است (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۷۱). این نظریه که موردتوجه طرفداران پیشگیری وضعی از جرم قرار گرفته است، می‌تواند در تحلیل جرائم اینترنتی نیز کاربرد داشته باشد؛ زیرا مجرم این فضا نیز فردی حسابگر و حتی باهوش‌تر برده و سرد و زبان ناشی از عمل ارتکابی را می‌سنجد و زمانی که به این نتیجه برسد با ارتکاب جرم ضمن داشتن سود بیشتر با خطر کمتری مواجه است به ارتکاب جرم اقدام می‌نماید فلذا دستاوردهای این نظریه مبنی بر ضرورت اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه در جهت متأثر نمودن زمینه‌ها و انگیزه‌های ارتکاب جرم در مورد فضای مجازی نیز مصداق پیدا می‌کند. معمولاً گفته می‌شود در دسترس بودن و جذابیت آماج جرم (ویلیامز، مک شین، ۱۳۹۸: ۲۴۷). در اخذ تصمیم مجرم بالقوه به ارتکاب جرم، دو عامل کلیدی محسوب می‌شود، فلذا به‌کارگیری راهکارهایی در جهت کاهش جذابیت و افزایش هزینه ارتکاب جرم، شاید باعث شود که مجرم حسابگر در برآوردهای خود انصراف از ارتکاب جرم را باصرفه‌تر تشخیص دهد. تردیدی نیست در فضای مجازی نیز به‌کارگیری این ایده در راستای دشوار سازی آماج جرم و کاهش فرصت‌های ارتکاب آن مبنی بر پیشگیری از بزه دیدگی کاربران می‌تواند کارگر واقع شود.

۲.۲. ویژگی جرائم سایبری

تحولات ناشی از تولد فضای سایبر، متمایز از دگرگونی‌هایی است که در اثر گسترش سایر فناوری‌های پیچیده و مدرن پدید آمده است. درست است که صنعت حمل‌ونقل، ارتباطات، جنگ‌افزار و سایر صنایع و تکنولوژی‌ها بزهکاری‌های خاص خود را تولید کرده‌اند، اما از آنجاکه این دگرگونی‌ها عمدتاً جنبه کمی داشته‌اند، نظام عدالت کیفری توانسته است با سرعت بیشتری خود را با الزامات ناشی از ساختارهای نوین هماهنگ سازد؛ یعنی با استفاده از اصول و مبانی موجود حقوق جزا در بعد شکلی و ماهوی در پی مقابله با جرائم ناشی از تحولات جامعه صنعتی برآمده و توفیق نسبی کسب نموده است؛ اما ویژگی‌ها و خصایص بزه‌های ارتکابی در فضای سایبر حامل این پیام است که حقوق جزا در ابعاد کلی و ماهوی وارد مرحله جدیدی شده است، به طوری که تنها شرط مبارزه با این‌گونه جرائم، ارائه تحلیلی از نحوه ارتکاب بزه سایبری و تدوین رویکرد کیفری متناسب با آن است در عصر حاضر، سخن صرفاً این نیست که تجهیزات

کافی برای مقابله با بزهکاری‌های روزافزون سایبری وجود ندارد و یا اینکه سرعت و شتاب موجود در رایانه‌ای نمودن و حجم فراوان اطلاعات و استفاده از شبکه، فرصت کافی توسعه سیستم‌های دفاعی در مقابله هجوم و پیشگیری از آن را به ما نداده است. بلکه حتی تسریع در آمادگی نظام قضایی موجود برای مقابله با موج نوین بزهکاری به صورت کامل پاسخگو نخواهد بود. تحقق اهداف مقابله با جرائم سایبر مستلزم تبیین گونه‌ای از رویکرد کیفری است که لزوماً با اصول و مبانی رویکرد کیفری متعارف همسانی ندارد. بیان ویژگی‌های جرائم سایبر بایستگی تدوین چنین رویکردی را روشن‌تر می‌سازد.

۱،۲،۲. سرعت

مفهوم متعارف زمان و مکان در دنیای مجازی دچار تحول شده است. یکی از فاکتورهای کندی وقوع پدیده بزهکارانه در جهان واقعی بعد مکانی میان سه ضلع بزهکاری یعنی بزهکار، آماج بزه و مکان ارتکاب بزه است. ساختار فضای مجازی به گونه‌ای است که در آن قرابت مکان میان سه عنصر فوق ضرورتی ندارد. این وضعیت موجب صرفه‌جویی شگرفی از بعد زمان و هزینه برای بزهکاران گردیده و آن‌ها را قادر ساخته است بدون وجود مانعی به نام مکان، جریم متعددی را در سریع‌ترین زمان مرتکب شوند، هویتی را سرقت نمایند و یا پولی را از حسابی به حساب دیگر منتقل نمایند.

۲،۲،۲. ناشناختگی

از یک سو اصولاً ناشناختگی از اصول حاکم بر جرائم جهان مجازی است شناسایی کاربران ماشین متصل به شبکه امری پیچیده و پرهزینه است. از سوی دیگر استفاده از شیوه‌های سرقت مشخصات دیگر ماشین‌ها، استتار آنلاین و سایر مخفی‌کاری‌های موجود، امرشناسایی مرتکبین را به صورت معمول سخت و بعضاً غیرممکن ساخته است. این جرائم عمدتاً قبل از اطلاع نهادهای قانونی و حتی خود قربانی رخ داده و آثار جرائم و نرم‌افزارهای مورد استفاده، پس از ارتکاب توسط بزهکار سریعاً نابود می‌شوند و یا به صورت خودکار از بین می‌روند.

۳،۲،۲. حجم جرائم

از زمره محدودیت‌های ارتکاب بزه در دنیای واقعی این است که ارتکاب بزه از نرم یک در برابر یک پیروی می‌کند. یعنی معمولاً برای وقوع بزه و ارتکاب آن علیه یک بزه دیده، حضور یک بزهکار لازم است. در بزه‌هایی مانند جعل، سرقت، قتل، اختلاس و ارتشا، بزهکار مجبور است برای آن برنامه‌ریزی نموده و پس از تهیه وسایل و مقدمات لازم با انجام عنصر مادی جرم و تحقق نتیجه، آن را تعقیب نماید. این محدودیت‌ها به نیروهای اجرای قانون و دستگاه عدالت کیفری کمک می‌کند که برنامه‌ها و منابع مالی و انسانی خود را بر روی بزه و بزهکار معین متمرکز نمایند؛ اما مقیاس بزه‌های ارتکابی در فضای سایبر بسیار وسیع است و به علت امکانات موجود و فقدان محدودیت‌ها، بزهکار از الگوی سریالی و شبکه‌ای استفاده می‌کند. لذا قربانی کردن هزاران نفر طی اقدامی واحد، فرضی واقعی در فضای سایبر است. این امر باعث می‌شود که حجم و آمار بزه در دنیای مجازی با دنیای واقعی قابل قیاس نباشد. آمار جنایی با توجه به زمینه‌های مذکور قابلیت رشد تصاعدی دارند.

۴،۲،۲. فراملی

وجود مرزهای بین‌المللی و شیوه‌های کنترل متعارف مانند ایست و بازرسی و استفاده از ابزارهای الکترونیکی از یک سو ارتکاب بزه در ورای مرزها را با موانع جدی مواجه ساخته و از سوی دیگر کمک مؤثری به کشف جرائم سنتی، به ویژه جرائم سازمان‌یافته فراملی می‌نماید. بزه سایبری اساساً در فضایی فارغ از مرزهای متعارف بین‌المللی واقع می‌شود. بزهکار بدون نیاز به عبور از مرزهای مذکور می‌تواند در هر نقطه‌ای از کره خاکی مستقر باشد. در نتیجه چنین وضعیتی، اولاً: کشف جرم و شناسایی بزهکار با موانع عدیده‌ای روبرو است. ثانیاً: به دلیل گستره وسیع و پراکندگی حوزه ارتکاب جرم، در صورت کشف بزه و شناسایی بزهکار، پروسه جمع‌آوری مستندات قانونی، تعقیب و

محاکمه بزهکار بسیار زمان‌بر و پرهزینه ثالثاً: در بسیاری موارد قانون حاکم و دادگاه صالح برای رسیدگی خواهد بود. نظام عدالت کیفری را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. رابعاً: فقدان قوانین لازم از یک‌سو و از سوی دیگر تعارض قوانین برخی از کشورها در کنار فقدان اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا و به‌ویژه با توجه به خصیصه فراملی بزه سایبری موانع جدی بر سر راه همکاری‌های قضایی و استرداد است.

۵,۲,۲. بالا بودن رقم سیاه

جرایم سایبری معلول دو علت است. از طرفی اصولاً کشف بزه‌های سایبری بسیار مشکل‌تر از بزهکاری سنتی است از سوی دیگر شرکت‌ها و مؤسسات معتبر تمایلی ندارند که با افشای این جرائم ناامن بودن فضای فعالیت‌های اقتصادی خود را افشا نمایند چراکه این امر اعتبار این بنگاه‌های تجاری و صنعتی را که مهم‌ترین سرمایه آن‌ها در جلب مشتری است، مخدوش می‌سازد در نتیجه افزایش قابل توجه رقم سیاه بزه در فضای مجازی وجود دارد. یکی از آثار بالا بودن رقم سیاه یک بزه، کاهش اثر بازدارندگی مجازات احتمالی موجود است زیرا بالا بودن رقم سیاه به معنی کاهش احتمال دستگیری و مجازات است در تحلیل اقتصادی از جرم و مجازات و در چارچوب تئوری انتخاب عقلایی هر چه احتمال دستگیری و در نتیجه اجرای مجازات کاهش یابد، اثر بازدارندگی مجازات‌های قانونی موجود کمتر شده و در توسعه فناوری اطلاعات و انقلاب الکترونیک به‌عنوان پدیده تعیین‌کننده قرن حاضر، تمام ابعاد زندگی اجتماعی را در بر گرفته است در حوزه حقوق و جرائم علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، فضای سایبر هنوز محیطی کنترل نشده، نامنظم و بی‌قانون توصیف می‌گردد که تقریباً برای همگان قابل دسترسی است. در بعد کیفری، تمایزات کمی و کیفی جرائم دیجیتال در مقایسه با جرایم سنتی، کارایی نظام کیفری متعارف را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است؛ به‌گونه‌ای که اندیشمندان حوزه حقوق و سیاست‌گذاران حوزه‌های مربوطه را وادار به تأمل و اتخاذ تصمیم نموده است. نکته بنیادین در حوزه حقوق جزا و سیاست کیفری تفاوت‌های کمی و کیفی است که جرائم سایبری با جرائم جهان واقعی دارد سرعت، کثرت، سهولت ارتکاب، ارزان بودن، فرامرزی بودن، ناشناختگی مرتکب، اتوماتیک بودن جرائم از جمله این تمایزات محسوب می‌شوند وابستگی روزافزون زیرساخت‌های اقتصادی، صنعتی، خدماتی و فرهنگی و... از یک‌سو و آسیب‌پذیری این زیرساخت‌ها به علت وسعت گسترش جرائم سایبری و خطرات گسترده‌ای که این گسترش متوجه زیرساخت‌های مذکور نموده است، از سوی دیگر، مستلزم تدوین سیاست جنایی ویژه‌ای در ابعاد مختلف کنترل، مدیریت، پیشگیری و از جمله حقوق کیفری است و. به همین دلیل، جرم‌شناسان آمریکایی معتقدند غنی‌ترین منبع آمار جنایی در امریکا، «گزارش همسان جرم» می‌باشد؛ منبعی که از سال ۱۹۳۰ در امریکا فعالیت خود را آغاز کرده است. با وجود این و به‌رغم تمامی فوایدی که می‌توان برای آمار جنایی رسمی متصور بود، این منبع آماری با اشکالی جدی به نام «رقم سیاه» و آنچه در حکم رقم سیاه نامیده می‌شود، روبرو است که تا حدی به اعتبار آن خدشه وارد کرده است؛ امری که جرم‌شناسان را برانگیخته است که برای رفع این اشکال، به تاکتیک‌های مکملی به نام پیمایش‌های جامعه‌محور، یعنی پیمایش‌های بزه‌دیده‌محور و پیمایش‌های بزهکارمحور روی آورند.

پیمایش‌های بزه دیدگی: اجرای پیمایش‌های بزه دیدگی در شماری از کشورها و همچنین در عرصه بین‌المللی، ارزش این پیمایش‌ها را به‌عنوان یک منبع داده‌ای مکمل آمارهای پلیسی اثبات نموده است. پیمایش‌های بزه دیدگی معمولاً میزان بالاتری از رخداد بزه را در مقایسه با میزان کشف‌شده بر اساس آمارهای جنایی گزارش‌شده به پلیس نشان می‌دهد. بخشی از دلایل رسیدن به این مهم این است که همه افراد، رویدادهای بزه دیدگی را به پلیس گزارش نمی‌کنند پیمایش‌های بزه دیدگی می‌توانند میزان زیادی از اطلاعات راجع به رویدادهای کیفری را که معمولاً در گزارش پلیس وجود ندارد فراهم کنند. به‌علاوه، چنین پیمایش‌هایی می‌توانند نگرش‌هایی را راجع به پندار عمومی نسبت به بخش‌های گوناگون نظام قضایی پدید آورند. با این حال اگرچه پیمایش‌ها می‌توانند اطلاعات گسترده و پرمحتوایی را فراهم کنند، معمولاً پرهزینه‌اند و به سطح بالایی از تخصص فنی نیاز دارند. برای مثال با پیش‌بینی‌های اطمینان‌بخش در سطح محلی یا فراملی راهبردهای نمونه‌گیری می‌توانند کاملاً پیچیده شوند و ممکن است لازم باشد که اندازه نمونه‌ها بسیار بزرگ باشد. به‌علاوه، چنانچه پیمایش‌های بزه دیدگی به‌طور منظم و حتی در صورت امکان سالانه اجرا شوند، بسیار کاربردی‌اند.

پیمایش‌های خود گزارشی: پیمایش‌های خود گزارشی شامل مصاحبه با یک نمونه از پاسخگویان درباره جرائمی می‌شود که مرتکب شده‌اند این نوع پیمایش، به‌ویژه در گردآوری اطلاعات راجع به جرائمی که بدون بزه دیده نامیده می‌شوند، اهمیت دارد مانند جرایم فضای مجازی و... این جرائم احتمالاً در آمارهای گزارش شده به پلیس یا در پیمایش‌های بزه دیدگی نشان داده نمی‌شوند. معمولاً پایایی و روایی چنین آماری تا حد زیادی به اراده پاسخگویان به گزارش بزه ارتكابی‌شان و همچنین به توانایی‌شان در یادآوری رویدادها بستگی دارد تا حد زیادی ارزیابی‌های انجام شده از چنین بررسی‌هایی، به‌ویژه درباره جرائم خفیف این آمارها را اطمینان‌بخش نشان داده‌اند (منفرد و دربندی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

۳.۲. پیمایش جرم و کارکردهای آن

پیمایش در واقع اشاره به یکی از شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در تحقیقات علوم انسانی و علوم اجتماعی دارد؛ و از آنجایی که جرم یک پدیده انسانی و اجتماعی است (بدین معنا که جرم توسط انسان و در اجتماع انسانی و مجازی واقع می‌شود)، بنابراین می‌توان از این روش در تحقیقات مربوط به جمع‌آوری اطلاعات راجع به پدیده مجرمانه بهره جست. همین امر سبب شده تا جرم‌شناسان در جهت جمع‌آوری اطلاعات راجع به پدیده مجرمانه در سطح کلان از روش پیمایشی استفاده نمایند. لازم به توضیح است که پدیده مجرمانه، در دو سطح مختلف قابل مطالعه و بررسی می‌باشد. از یک سو می‌توان پدیده مجرمانه را در سطح خرد بررسی نمود که منظور از آن مطالعه موردی جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد که در اصطلاح جرم‌شناسی به مطالعه پدیده مجرمانه در سطح خرد بزه‌کاری گویند؛ اما از سوی دیگر می‌توان پدیده مجرمانه را در سطح کلان مورد بررسی قرار داد که منظور از آن مجموعه جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی است که در یک دوره زمانی معین و در یک محدوده جغرافیایی معین واقع می‌شوند که در اصطلاح جرم‌شناسی به مطالعه پدیده مجرمانه در سطح کلان تبهکاری گویند. (ورویی، ۱۳۹۰: ۹۸). برای مطالعه پدیده مجرمانه در قلمرو جغرافیایی معین و دوره زمانی معین که اصطلاحاً به آن تبهکاری گویند، از روش‌های مختلفی شامل آمارهای جنایی و روش‌های مکمل آمارهای جنایی استفاده می‌شود. روش‌های مذکور جرم‌شناسان را قادر می‌سازد تا بتوانند اطلاعات و داده‌های کمی و کیفی مورد نیاز برای توصیف، تبیین و کنترل پدیده جنایی به دست آورند. در واقع منظور از پیمایش جرم مجموع آمارهای جنایی و روش‌های مکمل آمارهای جنایی است که در مجموع از آن‌ها تحت عنوان شیوه مطالعه و تحقیق در قلمرو جرم‌شناسی کلان یا تبهکاری یاد می‌شود به‌طور کلی کاربرد پیمایش جرم اعم از آمارهای جنایی و پیمایش بزه دیدگی و پیمایش بزه‌کاری در این است که با انجام پیمایش جرم سیمای واقعی جنایی مشخص و روشن می‌گردد که روشن شدن سیمای جنایی یعنی وضعیت کمی و کیفی پدیده جنایی در یک جامعه، پیش‌شرط تبیین و کنترل جرائم در آن جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر اگر جرم‌شناسی را دانش توصیف، تبیین و کنترل پدیده جنایی بدانیم، دستیابی به هدف تبیین علت شناسی جرم و همچنین هدف پیشگیری و کنترل جرم در فضای مجازی بدون توصیف آن امکان‌پذیر نبوده و از سوی دیگر دستیابی به هدف توصیف جرم یعنی شناخت ابعاد کمی و کیفی پدیده جنایی صرفاً با پیمایش جرم امکان‌پذیر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که پیمایش جرم پیش‌شرط ضروری برای دستیابی به سه هدف اصلی داشتن جرم‌شناسی شامل توصیف، تبیین و کنترل پدیده جنایی است. شناخت ابعاد کمی و کیفی پدیده جنایی و پیمایش جرم از دو روش اصلی و مختلف امکان‌پذیر است. یک روش اصلی در پیمایش جرم آمارهای جنایی است که توسط مراجع رسمی و یا نهادهای اجتماعی در خصوص ابعاد کمی و کیفی پدیده مجرمانه ارائه می‌شود؛ اما باید توجه داشت که آمارهای جنایی صرفاً معرف تبهکاری آشکار یا رقم سفید جرم می‌باشند توضیح اینکه منظور از تبهکاری آشکار یا رقم سفید جرم مجموعه جرائمی است که در یک محدوده جغرافیایی معین و یک دوره زمانی معین واقع شده و کشف شده‌اند و به دلیل کشف در آمارهای جنایی منعکس می‌شوند؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که آمارهای جنایی به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند معرف تبهکاری پنهان یا رقم سیاه جرم باشند. برای دستیابی به رقم سیاه جرم یا تبهکاری پنهان جرم‌شناسان از روش‌های دیگر پیمایش جرم تحت عنوان روش‌های مکمل آمارهای جنایی استفاده می‌نمایند که شامل پیمایش بزه دیدگی، پیمایش بزه‌کاری، پیمایش هزینه جرم و پیمایش ترس از جرم می‌باشد.

فایده پیمایش‌های مکمل آمارهای جنایی در این است که با پیمایش‌های مذکور می‌توان ضمن تأیید تفاوت بین تبهکاری آشکار و تبهکاری پنهان، میزان تفاوت موجود را نیز به دست آورد که دستیابی به این میزان تفاوت جرم شناسان را با زوایای پنهان پدیده جنایی در جامعه آشنا می‌سازد. به‌طور کل نتایج تحقیق مقایسه آمارهای رسمی و غیررسمی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که غالباً رقم پیمایش‌ها بیشتر از آمارهای پلیسی است. بسیاری از مطالعات همچنین به این یافته رسیده‌اند که بر اساس پیمایش‌ها جرائمی که توسط پلیس ثبت شده‌اند، به‌طور قابل توجهی کمتر از میزان جرائمی هستند که مطابق برآوردها و پیمایش‌های انجام شده، به پلیس گزارش می‌شوند. بنابراین احتمال دست‌کاری و اعمال نظر در مورد ثبت یا عدم ثبت گزارش‌ها مردمی جرم توسط پلیس بسیار زیاد است. فرضیه‌ی جرم‌شناسی کلاسیک در مورد نرخ گسترده رقم سیاه جرم را تأیید می‌کند که در بسیاری از موارد، برآورد میزان جرائمی که بزه دیدگان به پلیس گزارش کرده‌اند به نحو پایداری گسترده‌تر از نرخ جرم پلیسی بوده است. این موضوع حاکی از این واقعیت است که در اکثر کشورها، فارغ از نظام جنایی حاکم بر آن‌ها پلیس از آزادی عملی که در اختیار دارد، استفاده یا سوءاستفاده گسترده‌ای می‌کند؛ مبنی بر این‌که آیا گزارش بزه دیده را در شمار جرائم ثبت کند یا خیر؟ همچنین نتایج تحقیقات حاکی از آن است که در اروپا به مانند آمریکا رقم‌های رسمی جرم به نحو پایدار و گسترده‌ای، رقم واقعی جرم را فروتر از میزان واقعی آن نشان می‌دهد. در واقع آزادی عمل در ثبت گزارشات جرم محدوده وسیعی برای دستکاری سیاسی نرخ‌های پلیسی جرم ایجاد می‌کند. در گزارش ملی فرانسه به این نکته اشاره شده که این تفاوت‌ها به اندازه کافی جدی هستند تا پلیس را متقاعد سازند که نسبت به روند ثبت گزارشات مردمی تجدیدنظر اساسی کند. نیروهای پلیس باید شفافیت بیشتری در گزینش و غربال کردن گزارشات شهروندان در مورد وقوع جرم از خود نشان دهند. به‌طور کلی جرم شناسان از نتایج پیمایش‌های ملی و بین‌المللی صورت گرفته راجع به جرم به‌ویژه در قلمرو بزه دیده شناسی به این نتیجه رسیده‌اند که صرف تأکید بر منابع آماری ارائه شده از سوی نهادهای رسمی دستگاه عدالت کیفری از جمله پلیس و دستگاه قضایی نمی‌تواند تحلیل جامع و درستی از وضعیت جرم در درون کشورهای مختلف و همچنین در سطح بین‌المللی ارائه نماید.

۳. یافته‌ها

آمارهای جنایی از لحاظ منبع ارائه‌دهنده آمار، به دودسته آمارهای دولتی مثل آمار وابسته به دولت، پلیس، سازمان زندان‌ها و ... و آمارهای خصوصی تقسیم‌بندی می‌شوند. در کشورهایی که راجع به آمارهای جنایی حساسیت نیست، بخش خصوصی نیز معمولاً وارد این عرصه می‌شود. ولی در کشورهای جهان سوم نه تنها بخش خصوصی بلکه در بخش دولتی هم یا وجود ندارند یا آمارها حساسیت دارند. در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان آمارها را به آمارهای بین‌المللی و ملی طبقه‌بندی نمود. آمارهای بین‌المللی و منطقه‌ای را سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد مهیا می‌کنند که خود نیز آمارهایی را بر اساس آمارهای ملی جمع‌آوری کرده‌اند. آمارهای جنایی را می‌توان به ترتیب کمی به آمارهای واقعی، آمارهای پلیسی، آمارهای قضایی و قانونی طبقه‌بندی کرد. در این میان، رقم سفید بزهکاری نشانگر یكروی سکه بزهکاری یعنی بخش آشکار آن و رقم سیاه بزهکاری نشان‌دهنده روی دیگر این سکه یعنی بخش پنهان بزهکاری هست. جمع هر دوروی سکه بزهکاری را می‌توان رقم واقعی جرائم دانست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۳۲). آمارهای ظاهری یا پلیسی: آماری است که نمایانگر تعداد مراعات کیفری اعم از شکایت‌ها و اعلام جرم‌ها به کلانتری‌ها و ژاندارمری و سایر ضابطین دادگستری در زمان و مکان معین می‌باشد بزهکاری ظاهری خوانده می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۷۶: ۸۳). این نوع آمار مجموع جرائم کشف‌شده توسط پلیس در یک محدوده جغرافیایی معین و در یک‌زمان معین را نشان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر این نوع آمار نشان‌دهنده رقم سفید جرم یا تبهکاری آشکار است. این آمار، رقم سیاه جرم یا تبهکاری پنهان را نشان نداده بنابراین معرف تبهکاری واقعی می‌باشد. رقم سیاه یا رقم مخفی^۳، عددی است که نسبت بین بزهکاری حقیقی و بزهکاری قانونی یا قضایی را نشان می‌دهد رقم سیاه یا رقم مخفی نامیده می‌شود. منظور از بزهکاری واقعی یا حقیقی تمام جرائمی است که در یک‌زمان معین در مکان معین اتفاق می‌افتد اعم از جرائمی که کشف‌شده باشند یا نشده باشند. رقم

³ Hidden Part of criminality/ Dark Number

خاکستری: رقم خاکستری یا بخش خاکستری در آمار جنایی شامل جرائمی می‌شود که خودشان کشف شده‌اند اما مرتکبین این جرائم به دلایل مختلف شناسایی و دستگیر نشده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۹). با توجه به مأموریت جرم‌شناسی به‌عنوان علم مطالعه پدیده مجرمانه و کنگران آن، به تدریج انتظارات بیشتری از آمار جنایی در خصوص پیشگیری از جرائم در فضای مجازی احساس می‌شود که نیازمند است با توجه به نظریات جرم‌شناسی که در مبنای نظری به آن اشاره شد از روش‌های مکمل آمار جنایی استفاده شود.

۱.۳. رقم سیاه جرم و ضرورت روش‌های مکمل آمارهای جنایی در پیمایش جرائم فضای مجازی

رقم سیاه جرم عبارت است از تفریق بزهکاری واقعی (تمام جرائمی که در یک‌زمان و مکان معین اتفاق می‌افتد) و بزهکاری ظاهری (جرائمی که توسط پلیس کشف و برای آن‌ها پرونده تشکیل شده است). در واقع رقم سیاه بزهکاری در فضای مجازی اختلاف میان میزان واقعی جرائم واقع شده و جرائم کشف شده توسط پلیس است. برای تبیین و توجیه شکاف موجود میان آمارهای انتشار یافته از سوی دستگاه‌های متولی فرایند کیفری و واقعیات جنایی کشورها، اصطلاحاتی پدید آمده تا تفاوت‌های موجود را نشان دهد. از نگاه آمار جنایی، تبهکاری به سه دسته واقعی، ظاهری و قضایی تقسیم می‌شود. تبهکاری واقعی، مجموعه رویدادهای جنایی ارتکاب یافته در یک بازه زمانی در یک مکان، اعم از کشور، منطقه یا محله خاص است. تبهکاری ظاهری، مجموعه رویدادهای جنایی ارتکاب یافته‌ای است که در بازه زمانی و مکانی مشخص از سوی ضابطان قضایی رأساً کشف یا به آن‌ها گزارش یا شکایت می‌شود و در پایان، تبهکاری قضایی، به مجموعه رویدادهای جنایی گفته می‌شود که از سوی دادگاه‌های صلاحیت‌دار کیفری، در بازه زمانی و مکانی مشخص رسیدگی و برای آن‌ها حکم کیفری صادر می‌شود. بدیهی است آمار این سه دسته تبهکاری هیچ‌گاه بر یکدیگر منطبق نخواهد شد و آنچه از آن تحت عنوان رقم سیاه بزهکاری یا تبهکاری پنهان یاد می‌شود، همواره وجود خواهد داشت. از این نظر گفته می‌شود که رقم سیاه تبهکاری یکی از موانع اصلی ارزیابی واقعی تعداد جرائم ارتکابی است (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۱۲). در کنار رقم سیاه تبهکاری، رقم خاکستری تبهکاری نیز به آن دسته از رویدادهای جنایی اشاره دارد که خودشان کشف شده‌اند؛ بدین معنا که تبهکاران یا نتایج حاصل از ارتکاب آن‌ها شناسایی یا کشف می‌شوند، لیکن مرتکبان آن‌ها هیچ‌گاه شناسایی نمی‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۹). در بررسی دلایل وجود رقم سیاه تبهکاری می‌توان به مواردی مانند عدم توانایی پلیس در کشف جرم، خودداری تبهکاری از طرح شکایت، خارج شدن پرونده از فرایند آمار جنایی به دلیل صدور قرارهای کیفری مانند قرار موقوفی تعقیب یا ترک تعقیب اشاره کرد یکی از راه‌حل‌های اساسی برای از بین بردن شکاف میان آمار کیفری و آمار واقعی رویدادهای جنایی برگزاری پیمایش‌های جنایی است. پیمایش‌های راجع به رویدادهای جنایی، به‌طور کلی در دو شاخه پیمایش‌های بزهکاری و بزه‌دیدگی قابل تقسیم‌اند. در هر دو مورد، پژوهشگران یا مجریان پیمایش، بر پایه پرسش‌نامه‌ها یا سایر شیوه‌های کسب اطلاعات، به دنبال درک تجربه‌های جنایی جامعه نمونه خود به‌عنوان بزه‌کار یا بزه‌دیده یا شاهد یا آگاه از رویداد جنایی‌اند (نجفی ابرندآبادی، هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۹۶). اساسی‌ترین محدودیت آمار رسمی جرم این است که این آمار تنها شامل جرائمی هستند که عملاً توسط پلیس ثبت شده‌اند. بین یک جرم یا جنایت احتمالی و ثبت آن توسط پلیس یک‌رشته تصمیمات متعدد و دشواری باید اتخاذ شود. بیشتر جرائم، به‌ویژه سرقت‌های کوچک، اصولاً هرگز به پلیس گزارش نمی‌شوند. افراد از نظر توانایی‌شان در شناخت جرائم و تمایلشان نسبت به گزارش آن‌ها فرق می‌کنند. بخشی از جرائمی که پلیس از آن باخبر می‌شود در آمار ثبت نمی‌شوند، برای مثال، پلیس ممکن است در مورد اعتبار بعضی اطلاعات درباره جرائم اعلام شده که با آن برخورد می‌کند مشکوک باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهند که دست‌کم نیمی از کل جرائم مهم، از جمله جرائم فضای مجازی و... به پلیس گزارش نمی‌شوند گزارش دهی جرم از سوی قربانی جرم را کاهش دهد. این امر در مواقعی ممکن است مهم‌ترین عامل عدم گزارش دهی جرم از سوی بزه‌دیده باشد به‌ویژه جایی که تفاوت آشکاری بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی قربانی جرم با پایگاه اقتصادی و اجتماعی مجرم وجود دارد و یا در مواردی که مجرم فردی شرور بوده و قربانی جرم خود را در معرض شرارت‌های آتی مجرم ببیند به‌ویژه هنگامی که حمایت مناسبی از سوی نهادهای انتظامی و قضایی در حمایت از قربانی جرم و یا شهود و مطلعین تحقیق وجود نداشته باشد.

۲.۳. تحقیق از بزهکاران واقعی (روش خود اعترافی) در فرایند پیمایش بزهکاری فضای مجازی

در این روش عده‌ای از بزهکارانی که تحت تعقیب قرار نگرفته‌اند، حاضر می‌شوند اطلاعاتی را در مورد جرم ارتكابی ارائه کند، بدون آن‌که این افراد، شناسایی شده یا تحت تعقیب قرار گیرند. بر اساس این روش نامبرده، یک جامعه نمونه، تعیین شده و از آن‌ها در مورد عناوین مجرمانه خاصی سؤال می‌کنند. بدین صورت که آیا در یک دوره زمانی معین مرتکب یکی از این عناوین مجرمانه شده‌اند، که به دلایل مختلف به اطلاع پلیس نرسیده باشد؟ این روش نه تنها اطلاعات ارزشمندی در مورد آمار جنایی به دست می‌دهد، بلکه امکان بررسی تطبیقی میان بزهکاران شناخته شده و ناشناخته را فراهم می‌آورد. در این روش، مطالعاتی بر روی مجرمانی انجام می‌شود که به دلایل متعدد تحت تعقیب کیفری قرار نگرفته‌اند، اما در صورتی که هویت آنان مورد شناسایی قرار بگیرد حاضرند اطلاعاتی را در مورد جرائمی که مرتکب شده‌اند در اختیار پژوهشگران قرار دهند. در این روش یک نمونه یا چند نمونه یا نمونه‌هایی از جامعه انتخاب می‌شود به نحوی که نمونه‌های انتخابی معرف کل جامعه باشند. مثلاً از لحاظ سن، جنس، شغل، تحصیلات، وضعیت اقتصادی و... هر قدر این هم ترازوی بین جامعه نمونه و جامعه آماری بیشتر باشد، تحقیق دقیق‌تر است و انتخاب جامعه نمونه هر قدر به طور تصادفی باشد نتایج تحقیق علمی دقیق خواهد بود. ایجاد اطمینان کافی برای این افراد که اطلاعات آن‌ها به هیچ وجه کشف نخواهد شد باعث می‌شود پاسخ‌های صحیح‌تری ارائه شود در نتیجه دقت در تحقیق را بالا می‌برد. پس از انتخاب یک نمونه از اعمال مجرمانه توسط گروه تحقیق، توصیفی برای افراد ارائه شده و سپس از آن‌ها خواسته می‌شود که اگر در یک دوره زمانی مشخص، مرتکب جرائم موضوع تحقیق شده‌اند با ذکر دفعات تکرار جرم موارد را بیان نمایند. مرحله اعتمادسازی در پیمایش‌های بزهکاری مجازی بسیار مهم است؛ زیرا صحت و اعتبار اطلاعات به دست آمده از افراد جامعه مورد تحقیق تا حدود زیادی وابسته به مرحله اعتمادسازی می‌باشد. ممکن است به دلایل مختلف مرتکبین جرم از افشای اطلاعات مربوط به بزهکاری خود ترس و واکنش داشته باشند و این وظیفه خطیر پژوهشگران است تا اطمینان لازم به افراد مورد تحقیق بدهند که تحت هیچ شرایطی اطلاعات مربوط به بزهکاری آن‌ها افشا نخواهد شد. بدیهی است هر چقدر حساسیت جرم مورد بررسی بیشتر باشد، به همان اندازه نیز افراد مورد تحقیق ترس و واکنش بیشتری در پاسخ به سؤالات پیمایش خواهند داشت و به همان نسبت نیز وظیفه پژوهشگران در ایجاد اعتماد بین افراد مورد تحقیق سنگین‌تر خواهد بود.

۳.۳. تحقیق از بزه دیدگان واقعی در فرایند پیمایش بزه دیدگی فضای مجازی

روش تحقیق از بزه دیدگان واقعی به عنوان یکی از تکنیک‌های مکمل آمارهای جنایی که باعث تخمین رقم سیاه جرم می‌شود، مورد تبیین قرار می‌گیرد. در روش تحقیق از بزه دیدگان واقعی، از گروه‌هایی که معرف کل جمعیت یک جامعه هستند، خواسته می‌شود که در یک دوره زمانی مشخص به چند پرسش پاسخ دهند از جمله این که به طور مثال: ۱- آیا جرم مشخصی در مورد آن‌ها اتفاق افتاده است؟ ۲- آیا این مسئله را گزارش کرده‌اند یا نه؟ و در صورت عدم گزارش کردن، علت آن چیست؟ پیمایش بزه دیدگی یکی از روش‌های مکمل آمارهای جنایی به منظور دستیابی به تبهکاری واقعی و تبهکاری پنهان می‌باشد که در مقایسه با سایر روش‌های پیمایش جرم شامل پیمایش بزهکاری، پیمایش برآورد هزینه جرم و پیمایش برآورد میزان ترس از جرم، از دقت بیشتری برخوردار می‌باشد به همین دلیل پیمایش بزه دیدگی مهم‌ترین و دقیق‌ترین پیمایش در خصوص برآورد رقم واقعی و رقم سیاه جرم در فضای مجازی محسوب می‌شود. از طریق این روش اطلاعات دقیق‌تری از حجم و ماهیت جرائم ارتكابی نسبت به روش پیمایش بزهکاری به دست می‌آید. دلیل این امر، افزایش ضریب صحت آمارهای به دست آمده در پیمایش بزهکاری نسبت به پیمایش بزه دیدگی می‌باشد زیرا در پیمایش بزهکاری چون با اعتراف مجرمیت همراه هستیم در نتیجه جلب اعتماد پاسخگویان برای اعتراف به ارتكاب جرم بسیار دشوارتر از زمانی است که در پیمایش بزه دیدگی از افراد مورد تحقیق سابقه بزه دیدگی آن‌ها سؤال می‌شود. پیمایش بزه دیدگی اطلاعات لازم در خصوص طبقات و گروه‌های خاص بزه دیده یعنی تعیین این که کدام بخش از جامعه در معرض بزه دیدگی خاصی قرار دارند، نشان می‌دهد. در نتیجه می‌توان از طریق پیمایش بزه دیدگی نسبت به شناسایی بزه دیدگان بالقوه و اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در خصوص آن‌ها اقدام نمود. با توجه به جمع

دلایل، از لحاظ دانش بزه دیده شناسی و همچنین جنبش حمایت از قربانیان جرم بر لزوم اتخاذ یک سیاست کنترل جرم علمی و عقلایی ویژه بزه دیدگان بالقوه تأکید می‌شود که از آن تحت عنوان سیاست جنایی افتراقی بزه دیدگان بالقوه می‌توان یاد نمود. در این سیاست جنایی می‌بایست تدابیر ویژه‌ای در جهت شناسایی و حمایت از بزه دیدگان واقعی از سوی قانون‌گذار اتخاذ شود. یکی از جنبه‌های حمایتی می‌تواند کمک به دادخواهی و جبران خسارت وارده به بزه دیدگان بالقوه باشد به‌طور مثال پیش‌بینی اینکه سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد بتوانند موارد بزه دیدگی این افراد را شناسایی نموده و در مراجع قضایی پیگیری نمایند. از طریق این روش می‌توان پی برد که بزه دیدگی، چه صدمات و آسیب‌های جسمی، روحی و روانی بر قربانی جرم گذاشته و چه تدابیر حمایتی باید انجام گیرد. در این خصوص لازم به ذکر است که ضرورت حمایت از بزه دیدگان و لزوم جبران خسارات مادی و معنوی وارده به قربانیان جرم مورد تأکید جنبشی اجتماعی تحت عنوان جنبش حمایت از بزه دیدگان می‌باشد. جنبش مذکور با انتقاد از نظام عدالت کیفری کنونی که بزه دیدگان در آن نقش و جایگاه بسیار ضعیفی دارند و با یادآوری تاریخچه نظام‌های کیفری در دوران انتقام خصوصی و عدالت خصوصی که هدف اصلی نظام‌های کیفری در این دو دوران جبران خسارات وارده به قربانی جرم بود، بر ضرورت بازگشت قربانیان جرم به جایگاه پررنگ در نظام‌های کیفری تأکید می‌نماید. عدالت کیفری بدان معناست که چون مجرم با ارتکاب جرم نظم عمومی جامعه را متزلزل نموده است، بنابراین اقتضای عدالت آن است که با مجازات مرتکب جرم نظم عمومی به جامعه اعاده گردد؛ اما در مقابل عدالت ترمیمی مفهومی دیگر داشته و معتقد است که ایراد ضرر به جامعه در اثر ارتکاب جرم، یک امر فرضی است و حقیقت امر آن است که صرفاً بزه دیده در اثر ارتکاب جرم متحمل ضرر و زیان عینی و واقعی می‌شود چراکه ضرر و زیان ناشی از جرم اعم از جسمانی، روحی و روانی و یا مالی به‌صورت مستقیم و شخصی صرفاً بر اشخاص وارد می‌شود که وجودی حقیقی دارند نه جامعه که وجودی اعتباری دارد. بر این اساس عملکرد دستگاه عدالت کیفری در نظام‌های کنونی جوامع انسانی از این جهت قابل انتقاد است که اصل تلاش آن‌ها متمرکز بر شناسایی، دستگیری، تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمین است که در نتیجه تلاش چندانی در جهت جبران خسارات وارده به قربانیان جرم آن‌گونه که باید باشد صورت نمی‌پذیرد (صبوری پور، ۱۳۹۳: ۸۲۴).

۴.۳. تأثیر یافته‌های پیمایش جرم در پیشگیری از جرائم فضای مجازی و رسیدن به آمار واقعی

استفاده از روش‌های پیمایشی در سیاست‌گذاری جنایی هر کشور بسیار حائز اهمیت است. بومی‌سازی این راهبرد می‌تواند به طراحی و اجرایی کردن سیاست جنایی سنجیده و کارآمد کمک شایانی نماید چند علت مطالعه پیمایش‌های بزه دیده شناختی و عملیاتی کردند در حوزه جرائم فضای مجازی ضروری محسوب می‌شود: اولاً، پیمایش‌های بزه‌دیده‌شناسی باعث کمتر شدن اختلاف بین بزه‌کاری واقعی و بزه‌کاری ظاهری و قضایی شده و در نتیجه رقم سیاه بزه دیدگی را کاهش می‌دهد (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۲۵). گزارش جرائم واقع شده به پلیس یا مقامات قضایی از طرف بزه‌دیدگان به‌خصوص با پیمایش‌های بزه‌دیده‌شناسی یکی از ابزارهای مفید برای دستیابی به میزان بزه دیدگی واقعی در یک جامعه است که به دلایل مختلف گزارش و پیگیری نشده‌اند (رحمدل، ۱۳۸۳: ۴۱۱). ثانیاً، در دست بودن آمار بزه دیدگی در منطقه‌ای خاص یا در کشوری یا حتی در سطح بین‌المللی می‌تواند باعث برنامه‌ریزی دقیق، منسجم و یکپارچه برای پیشگیری از وقوع مجدد این جرائم شود. برنامه‌ریزی بدون داشتن آمار بزه‌کاری غیرممکن یا دست‌کم مشکل است. یکی از ابزارهایی که می‌تواند اطلاعات لازم را برای تنظیم برنامه و سیاست‌گذاری در زمینه پیشگیری از جرم در اختیار جرم‌شناسان و تصمیم‌گیران سیاست جنایی قرار دهد آمار جنایی است (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۰۶). همچنین آمار جنایی، معیاری برای سلامت روانی جامعه و مقیاسی برای اندازه‌گیری موفقیت یا شکست سیاست‌های دولت در حفاظت از مردم در برابر جرم محسوب می‌شود (مگوایر مورگان و رینر، ۱۳۹۵: ۲۰۵). اگر بزه دیدگی به مقامات پلیسی - قضایی گزارش داده نشود و متهم، تعقیب و مجازات نشود، وی فرصت‌های بیشتری برای ارتکاب جرم به وجود خواهد آورد که نتیجه آن، گسترش بزه‌دیدگی است. گزارش نکردن بزه دیدگی حتی می‌تواند سبک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد به این صورت که افرادی که یک یا چند بار بزه دیده‌شده‌اند ولی به‌هردلیل آن را پیگیری نکرده‌اند در برابر بزه دیدگی‌های احتمالی آینده به هر شکل از خود در برابر جرم، حفاظت کنند. خود مراقبتی بزه‌دیدگان حتی در درازمدت می‌تواند امنیت جامعه را به خطر

بیندازد ثالثاً، پیمایش‌های بزه دیده شناسی در قسمتی، جنبه علت شناختی دارد و به دنبال پاسخ چرایی وقوع جرم بزه دیدگی است. در واقع، با این پیمایش‌ها می‌توان به نقش و سهم بزه‌دیده در ارتکاب جرم در فضای مجازی پی‌برد بزه دیده‌شناسی علت‌شناختی یا اولیه سپس با به‌کارگیری راه‌هایی، از بزه‌دیدگی مجدد یا تشدید بزه‌دیدگی جلوگیری کرد بزه دیده شناسی حمایتی یا ثانویه. پیدایش پیمایش‌های بزه دیده شناسی در راستای تولد و رشد رشته بزه‌دیده‌شناسی است. پیمایش‌ها با شناسایی نقاط جرم، ویژگی‌های بزه‌دیدگان، روابط آن‌ها با بزه‌کاران و نقاط ضعف نظام عدالت کیفری و غیره، در راستای جبران آن‌ها برمی‌آیند که ارتقای حقوق بزه‌دیدگان را در پی دارد. این پیمایش‌ها امروزه در بسیاری از کشورها به‌صورت منظم و هدف‌دار و با اصول روش‌شناختی علمی انجام می‌شود و توانسته فهم سیاست‌گذاران جنایی از میزان بزه‌دیدگی و به‌خصوص بزه دیدگی‌های گزارش نشده را واقعی‌تر کند. برای بررسی پیمایش جرائم آنچه مسلم و بدیهی ثبت وقایع مجرمانه بادقت می‌باشد. برای ثبت جرم سه مرحله در نظر گرفته شده است: مرحله اول این است که همه جرائم کشف نمی‌شوند و در نتیجه این جرائم در آمار جنایی لحاظ نمی‌شوند و این مرحله کشف جرم است و اینجاست که نرخ بزه‌کاری واقعی یا حقیقی مطرح می‌شود و آن عبارتست از تعداد جرائمی که عملاً در زمان و مکان خاصی واقع می‌شوند و میزان و ماهیت آن به دلایل متعدد ناشناخته است که رقم سیاه جرائم نامیده می‌شود. پس رقم سیاه جرائم و عوامل تأثیرگذار بر آن از جمله جنسیت، سن، نژاد، نوع جرم، زمان و خود مجرم، یکی از موانع اصلی ارزیابی واقعی تعداد جرائم ارتکابی است. مرحله دوم، مرحله گزارش جرم به پلیس و مقام قضایی می‌باشد. دیده می‌شود که بسیاری از بزه‌دیدگان به دلایل مختلف از جمله، عدم افشای اسرار خانوادگی، طولانی بودن زمان دادرسی، عدم امنیت بعد طرح شکایت و تهدیدات متهم، عدم دسترسی به دستگاه عدالت کیفری و عدم اعتماد به دستگاه پلیس و دادگستری، وقوع جرم را گزارش نمی‌کنند. در نتیجه اینکه پیمایش جرائم فقط شامل بزه‌کاری گزارش شده است و بزه‌کاری پنهان را در برنمی‌گیرد؛ و این جرائم نیز در آمار جنایی لحاظ نمی‌شود. مرحله سوم مرحله ثبت جرم است. در این مرحله جرائم گزارش می‌شود که به نظر خود بزه دیده جرمی واقع شده است و بعد از دستور تعقیب متهم محاکمه می‌شود؛ که مجموع احکام محکومیت صادره را دلالت قطعی بر ارتکاب جرم دارد علمای جرم‌شناسی، این مورد را بزه‌کاری قانونی یا قضایی نامیده‌اند که این امر در مقایسه با بزه‌کاری واقعی رقم ناچیزی را تشکیل می‌دهد؛ اما ممکن است برخی از جرائم اعلام شده به پلیس یا موادی که پلیس قادر به کشف آن هست به دلایلی به مقام قضایی اعلام و ارسال نمی‌شود که این می‌تواند به دلایلی از جمله قابل گذشت بودن جرم و گذشت شاکی خصوصی، فوت متهم و... باشد که مثلاً در مورد فوت متهم در دفاتر پلیس جرم ثبت و در آمار لحاظ می‌شود اما در دادسرا از موارد موقوفی تعقیب و در آمار لحاظ نمی‌شود. لذا آنچه روشن و پرواضح است اینکه بزه‌کاری قانونی که تنها جزئی کوچک از جرائم واقع شده در جامعه است در آمار جنایی دادگستری منعکس می‌شود؛ و فاصله بین بزه‌کاری قانونی و پلیسی با بزه‌کاری واقعی نامعلوم است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۳۱). برای برآورد رقم سیاه بزه‌کاری جرائم فضای مجازی چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد باید از شیوه‌های مختلف از جمله تحقیق از بزه‌دیدگان یا بزه‌کاران استفاده کرد چون همه جرائم توسط بزه‌دیدگان گزارش نمی‌شود و در صورتی که کار تحقیقی باشد و به شرط عدم ذکر هویت حاضر به همکاری می‌باشند. هرچند بازهم دستیابی به آمار دقیق بزه‌کاری واقعی غیرممکن می‌باشد؛ و با این شیوه تنها می‌توان به‌طور تقریبی میزان رقم سیاه جرائم را مشخص کرد. همچنین می‌توان مردم را تشویق به گزارش جرم کرد و گزارش جرم را به‌عنوان وظیفه اجتماعی نهادینه کرد. پس گزارش جرائم واقع شده به پلیس یا مقام قضایی از طرف شهروندان می‌تواند یکی از ابزارهای مفید برای کم کردن فاصله موجود بین بزه‌کاری واقعی با بزه‌کاری قانونی و در واقع کاهش حجم رقم سیاه جرائم باشد (رحمدل، ۱۳۸۳: ۱۱۳). یکی دیگر از موانع ترسیم دقیق بزه‌کاری واقعی، کیفیت ثبت جرائم واقع شده می‌باشد. به نظر می‌رسد در اماکن اجرایی سیستم ثبت جرم مدون و بدون اغماض نداریم و در دادسرا نیز تا تکمیل تحقیقات جرم ثبت نمی‌شود و شکوائیه عیناً جهت تحقیقات به کلانتری و پاسگاه محل ارسال می‌شود که ممکن است هرگز ثبت نشود و شاکی از پیگیری منصرف شود. معمولاً این‌گونه است که برخی جرائم به‌صورت کلی ثبت می‌شود که دقت آمار را پایین می‌آورد. فرآیند ثبت جرائم، پیمایش جرائم با دو اشکال مواجه است: ۱- نوع جرم ممکن است در آمار جنایی به‌دقت معین نگردد. ۲- تعداد جرائم ارتکابی ممکن است در آمار جنایی درست منعکس نشود. در حال

حاضر در سیستم کیفری کشور ما، قانون و مقررات خاصی در مورد نحوه ثبت جرائم وجود ندارد و در نتیجه آمارهای موجود از دقت لازم در مورد نوع و تعداد جرائم گزارش شده برخوردار نیست. نتیجه اینکه ما در حال حاضر نظامنامه آمار جنایی نداریم باین وجود در صورت آمار جنایی نمی‌تواند مبین سیمای جنایی باشد و عوامل مختلف از جمله افزایش یا کاهش فعالیت پلیس میزان مشارکت عمومی در اعلام جرم، در آمار دخالت داشته و مانع از ثبت آمار دقیق جرائم ارتكابی است لیکن برای برنامه‌ریزی و پیشگیری از جرم آمار جنایی مؤثرترین وسیله بشمار می‌رود به شرطی که نظام آماری در کشور اصلاح و سیستم ثبت جرم در کلانتری اجباری و تدوین شود و حداقل از افراد مطلع برای استخراج و تجزیه و تحلیل آمار استفاده شود (فرجیها، ۱۳۸۳: ۴۸). این یافته‌ها، فرضیه جرم‌شناسی کلاسیک در مورد نرخ گسترده رقم سیاه جرم را تأیید می‌کند این گزارش‌ها همچنین نشان داد که در بسیاری از موارد، برآورد میزان جرائمی که بزه دیدگان به پلیس گزارش کرده‌اند به نحو پایداری گسترده‌تر از نرخ جرم پلیسی بوده است. این موضوع حاکی از این واقعیت است که در اکثر کشورها، فارغ از نظام جنایی حاکم بر آن‌ها پلیس از آزادی عملی که در اختیار دارد، استفاده یا سوءاستفاده گسترده‌ای می‌کند؛ مبنی بر این که آیا گزارش بزه دیده را در شمار جرائم ثبت کند یا خیر؟ همچنین نتایج تحقیقات حاکی از آن است که در اروپا به مانند امریکا رقم‌های رسمی جرم به نحو پایدار و گسترده‌ای، رقم واقعی جرم را فروتر از میزان واقعی آن نشان می‌دهد. در واقع آزادی عمل در ثبت گزارشات جرم محدوده وسیعی برای دست‌کاری سیاسی نرخ های پلیسی جرم ایجاد می‌کند. در گزارش ملی فرانسه به این نکته اشاره شده که این تفاوت‌ها به اندازه کافی جدی هستند تا پلیس را متقاعد سازند که نسبت به روند ثبت گزارشات مردمی تجدیدنظر اساسی کند. نیروهای پلیس باید شفافیت بیشتری در گزینش و غربال کردن گزارشات شهروندان در مورد وقوع جرم از خود نشان دهند. اشکالات پیمایش‌ها موجب می‌شود تا آماری کمتر از واقع ارائه کنند نه بیشتر از نرخ واقعی جرم. بنابراین آماری که پیمایش‌ها ارائه می‌دهند بسیار بیشتر از آمارهای پلیسی نقاب از چهره مخفی جرم در جامعه برمی‌دارد و باین حال، همچنان بخش‌هایی از چهره جرم برای ما ناشناخته باقی می‌مانند. به‌طور کلی جرم‌شناسان از نتایج پیمایش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته راجع به جرم به‌ویژه در قلمرو بزه دیده شناسی مجرمان سایبری به این نتیجه رسیده‌اند که صرف تأکید بر منابع آماری ارائه‌شده از سوی نهادهای رسمی دستگاه عدالت کیفری از جمله پلیس و دستگاه قضایی نمی‌تواند تحلیل جامع و درستی از وضعیت جرم در درون کشورهای مختلف و همچنین در سطح بین‌المللی ارائه نماید. همه نیازمندی‌های آمار عدالت کیفری نمی‌توانند به وسیله سامانه‌های اطلاعات عملیاتی و اداری برآورده شوند. این موضوع به‌طور گسترده پذیرفته شده که بخش نسبتاً زیادی از رویدادهای جنایی به پلیس گزارش نمی‌شود و اینکه گونه‌هایی از اطلاعات مرتبط با بزه و عدالت کیفری، به‌آسانی از نظام عدالت کیفری به دست نمی‌آیند این گونه محدودیت‌های سوابق رسمی به‌عنوان آمار توصیف‌کننده بزه و ویژگی‌های آن جرم‌شناسان و پژوهشگران یک منبع را به‌سوی منابع جایگزین برای سنجش و درک بزه کشانیده است دو کوشش اصلی در این رابطه پیمایش‌های بزه‌ی‌دگی و خود گزارشی است در این شگردها از پرسش‌نامه‌ها یا مصاحبه‌ها به نمونه‌هایی از افراد ارائه می‌شود تا به پرسش‌هایی مبنی بر اینکه آیا تاکنون بزه دیده یا بزه‌کار شده‌اند. پاسخ دهند پیمایش بزه‌دیدگی به‌ویژه به‌عنوان وسیله مهم گردآوری اطلاعات از شهروندانی پدید آمده که ارتباط مستقیمی با بزه و نظام عدالت کیفری دارند. سرانجام پیمایش‌های بزه‌دیدگی به‌ویژه در کمک به مدیران عدالت کیفری و سیاست‌گذاران کاربرد دارند تا نگرانی‌ها و ترس‌های افراد درباره بزه و عدالت کیفری نظارت کنند خط‌مشی‌ها برنامه‌ها و نظریه‌های جرم‌شناختی مرتبط با عدالت کیفری اثربخش باید جنبه شخصی بزه و نگرانی‌ها و ترس‌های روزمره افراد را در نظر گیرند ترس از بزه می‌تواند مشکلی به بزرگی خود بزه باشد و ناامیدی عمومی از عدالت کیفری و نهادهای کنترل نه‌تنها نشانه مشکلات، جدی بلکه یک چالش مهم برای عدالت کیفری به شمار می‌آید پیمایش‌های بزه‌دیدگی به ما امکان می‌دهند تا از شمارش صرف رویدادها فراتر رویم. آن‌ها داده‌های راجع به هزینه‌های بزه‌دیدگی، زیان‌های مالی، آسیب‌های جسمی و نگرانی و ترسی که بزه‌دیدگی می‌تواند پدید آورد را فراهم می‌کنند (بابایی و انصاری، ۱۳۹۰: ۵). داده‌های پیمایش بزه‌دیدگی و داده‌های پلیسی حقایق گوناگونی را درباره بزه آشکار می‌کنند این داده‌ها پدیده بزه‌کاری را به دو شیوه متفاوت و از زوایای مختلف می‌سنجند گزینش هر یک از این داده‌ها برای به‌کارگیری، به منفعتهای تحقیق‌کننده، پرسش‌های پاسخ‌گفته و سطح ایده آل تحلیل بستگی دارد. پیمایش‌های بزه‌دیدگی را نمی‌توان جایگزین آمارهای

اداری کرد و داده‌های عملیاتی اطمینان بخشی را برای پلیس تولید نخواهند کرد. با این حال، یک پیمایش بزه دیدگی به خوبی طراحی و اجرا شده به ویژه اگر دوره‌ای باشد، می‌تواند داده‌های گزارش شده به پلیس را تکمیل و اطلاعات مورد نیاز سیاست‌گذاران و مدیران را فراهم کند. برای بیشینه‌سازی گنجایش به کارگیری پیمایش‌ها و آسان‌سازی مقایسه آن‌ها با پیمایش، بعدی بهتر است که اطلاعات راجع به پیمایش‌های بزه دیدگی با رعایت اولویت بروی پایگاه داده در دسترس و متمرکز نگهداری شوند. انتشار مشترک داده‌های بزه دیدگی و گزارش شده به پلیس، به آگاهی مردم درباره چستی و دامنه کامل بزه کمک می‌کند داده‌های به دست آمده از پیمایش‌های بزه دیدگی را می‌توان برای مفهوم‌سازی اطلاعات به دست آمده از داده‌های گزارش شده به پلیس به کاربرد با این حال این کار باید با دقت زیادی انجام شود تعریف‌ها گونه‌ها و رده‌های بزه و بزه دیدگی این دو منبع در بیشتر موارد بسیار متفاوتند به این پیچیدگی‌ها باید به هنگام به کارگیری دو منبع مکمل توجه شود (منفرد و دربندی، ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۲۵). تردیدی نیست هدف از مطالعه علمی جرم ارائه راهکارهای جهت پیشگیری و مقابله با آن است. بررسی اصول پیمایش در جرائم فضای مجازی و ضرورت پیشگیری از مهم‌ترین اهدافی است که با بررسی نقش فضای مجازی در تکوین جرم دنبال می‌شود، اتخاذ تدابیری با هدف پیشگیری است زیرا فرض بر این است که فضای مجازی گاه با داشتن قابلیت‌هایی همچون امکان انتشار فنون ارتکاب جرم موجب تقلید اسلوب ارتکاب جرم می‌شود گاه با تحریک به ارتکاب جرم کاربران را به وقوع جرم وسوسه می‌کند و بعضاً با قابل دسترس تر کردن آماج جرم بزه دیدگی برخی کاربران را تسهیل می‌نماید در مواقعی به کارگیری اینترنت در ارتکاب جرائمی همچون جاسوسی و تروریسم سایبری امنیت کشورها را به شکل گسترده تری در معرض مخاطره قرار می‌دهد. به دلیل تعامل جهانی گروه‌های مجرمانه در اینترنت و ارائه الگوهای ارتکاب جرم در آن، کاربران مستعد، فنون و انگیزه‌های ارتکاب جرم را آموخته و تقلید می‌نمایند وانگهی وجود برخی محتواهای مجرمانه کاربران را به وقوع جرم وسوسه می‌کند و چه بسا اگر عامل تحریک کننده نمی‌بود آنان مرتکب جرم مورد نظر نمی‌شدند مثلاً وجود محتواهای مربوط به هرزه‌نگاری به ویژه هرزه‌نگاری کودکان و دسترسی اتفاقی یا عمدی کاربران به آن باعث می‌شود حتی افرادی که منحرف جنسی نیستند به علت تعقیب مرتب تصاویری در این خصوص به ارتکاب خشونت‌های جنسی برخاط علیه کودکان، رغبت پیدا کنند. همچنین دستیابی به برخی منابع اینترنتی که با لحاظ مؤلفه‌های فرهنگی مذهبی، اخلاقی و از جمله مصادیق مجرمانه شناخته می‌شوند، چه بسا موجب رویارویی مجرمین و قربانیان بالقوه شده و در واقع با قابل دسترس ساختن آماج جرم آن‌ها را در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد. مثلاً سایت‌های تبلیغاتی که بدافزارها را در قالب نرم‌افزارهای رایگان پنهان می‌نمایند موقعیت‌های خوبی جهت به دام انداختن قربانیان جرائم سایبر می‌باشند. بدیهی است دولت‌ها با شناسایی قابلیت‌های اینترنت در وقوع یا توسعه جرم اتخاذ تدابیری مبنی بر پیشگیری از وقوع جرم در فضای مجازی را یک اقدام ضروری قلمداد خواهند نمود و در صدد خواهند آمد با اعمال سیاست جنایی کارآمد اعم از تقنینی، قضایی و روش‌های پیمایشی جرم در راستای جلوگیری از تقلید فنون ارتکاب جرم سخت‌تر کردن آماج جرم و کاهش تحریک به ارتکاب جرم مؤثر واقع شده و از وقوع جرم پیشگیری نمایند.

نتیجه‌گیری

در مقام نتیجه‌گیری باید به سؤال مطرح شده در ابتدای نوشتار پاسخ داد. بدین منظور بی‌پیرایه و بی‌درنگ باید به سراغ سؤال اصلی تحقیق که در واقع سرچشمه اصلی این تحقیق می‌باشد. پیرامون بررسی جرم شناختی اصول پیمایشی جرم در پیشگیری از جرائم فضای مجازی چیست؟ که در پاسخ به سؤال این موضوع مطرح است که ویژگی‌های منحصر به فرد فضای مجازی از قبیل گستردگی و سیال بودن آن تعاملی بودن این فضا، سهولت و سرعت در دسترسی بدان بالا بودن رقم سیاه و گمنامی نسبی هویت کاربران این عرصه به علت فراهم آوردن فرصت‌های مجرمانه فراوان برای کاربران، علاوه بر اینکه موجب شده است بخش عمده‌ای از جرائم سنتی که سابقاً در فضای مادی بوده است اکنون در فضای مجازی ارتکاب یابد همچنین فضای مجازی، گونه‌های نوینی از جرم از بطن فضای مجازی زاده شود که تا قبل از پیدایش اینترنت مسبوق به سابقه نبوده است. این امر تحلیل و بررسی جرم شناختی فضای مجازی و نقش اصول پیمایشی را جهت ارائه

راه‌هایی مبنی بر تعیین خط‌مشی مناسب در مبارزه با این جرائم و پیشگیری از آن ضروری می‌سازد. در این راستا ضمن این که می‌توان از رهگذر نظریه‌های متداول جرم‌شناسی که در خصوص فضای واقعی مطرح شده است همچون نظریه معاشرت و... می‌توان استفاده از روش‌های پیمایش جرائم جهت رسیدن به نرخ واقعی جرائم فضای مجازی و تحلیل جرائم اینترنتی بهره گرفت. در واقع ساختار خاص و ابعاد ناشناخته جرائم اینترنتی و ویژگی‌های متفاوت بزه‌کاران و یزه دیدگان این عرصه مستلزم مطالعه جرم‌شناختی جرائم این فضا جهت یافتن علل و اصول پیمایش بزه‌کاری‌ها و بزه دیدگی‌های مجازی می‌باشد. چراکه بدون شناسایی گونه‌های مختلف جرائم این عرصه اعم از جرائم مرتبط با فضای سایبری یا جرائم سایبری محض شیوه ارتکاب این جرائم، راه‌های گریز مرتکبان این حیطه و... همچنین بدون مطالعه ویژگی‌های کنشگران این حوزه، نمی‌توان از ارائه راهکارهایی جهت مقابله و پیشگیری از این جرائم اطمینان حاصل نمود و این مهم بهره‌گیری از این رویکرد و راهبرد می‌باشد و استفاده از یافته‌های حاصل از مطالعات جرم‌شناسان می‌تواند موجب تدوین یک سیاست جنایی علمی شود که مزایای اجرای آن در هر جامعه تقویت آماج جرم به‌منظور پیشگیری از بزه دیدگی کاربران در فضای مجازی از طریق ارتقای اطلاعات نرم‌افزاری آن‌ها از یکسو و تقویت سواد رسانه‌ای آن‌ها از سوی دیگر است اتخاذ چنین سیاستی همچنین موجب اعمال تدابیر پیشگیرانه مناسب و ضروری جهت عقیم نمودن جرم و مقابله با بزه‌کاری در فضای مجازی و نیز تدوین قوانین کارآمدی در راستای مبارزه با جرائم این عرصه می‌باشد. و پیمایش جرائم به‌عنوان یک اندیشه‌ای نو در خصوص جرائم فضای مجازی، راجع به نوع جرم، تعداد جرائم و مجرمان، سن، جنس و سوابق قضایی آن‌ها اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد پیمایش جرائم یکی از ابزارهای مهم برنامه‌ریزی در جرم‌شناختی بشمار می‌آید؛ و پیشگیری بدون برنامه‌ریزی امکان ندارد و برنامه‌ریزی مستلزم استفاده از ابزاری است و یکی از ابزارهایی که می‌تواند اطلاعات لازم را برای تنظیم برنامه و سیاست‌گذاری در زمینه پیش‌گیری از جرم در اختیار تصمیم‌گیران سیاست جنایی قرار دهد، تمرکز بر آمار جنایی رسمی و انجام نشدن مستمر و ضابطه‌مند پیمایش‌های بزه دیده شناسی، فاصله بین بزه دیدگی‌های واقعی و بزه دیدگی‌های گزارش شده، بیش‌ازحد می‌نماید هر کشوری برای برخورداری از یک سیاست کیفری منسجم باید شناخت کاملی از وضعیت و آمار جرم داشته باشد و در راستای این ضرورت است که از بدو پیدایش دولت‌های مدرن، دغدغه تهیه آمار در زمینه‌های مختلف نیز ایجاد شده است. به‌عبارت‌دیگر، تدوین آمار با تکیه بر روش‌های پیمایش جرم، پیش‌شرط هرگونه سیاست‌گذاری است. لذا با توجه به موارد فوق یکی از راهکارهایی که می‌تواند به سیاست‌گذاران جنایی خصوصاً سیاست جنایی پیشگیرانه در بحث پیشگیری از جرائم فضای مجازی کمک شایانی نماید اصول و مبانی پیمایش جرم است.

منابع

۱. آقایی، سارا. (۱۳۹۶). رسانه و جرم از منظر جرم‌شناختی فرهنگی، نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناختی، تابستان، دوره ۴، شماره ۱.
۲. بابایی، محمدعلی و انصاری، اسماعیل. (۱۳۹۰). تحلیل هزینه‌های جرم، نشریه علمی پژوهش‌نامه مفید، شماره ۹۴.
۳. پور احتشام، محمد و محدثی فر، محسن. (۱۳۹۷). رابطه بین جرم و نرخ باروری با رشد اقتصادی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶۸.
۴. جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۹). کنوانسیون جرائم سایبری و پروتکل الحاقی آن، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
۵. جیشانکار. کی. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی فضای مجازی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، میزان.
۶. حسینی، سید محمد و مسعود مصطفی پور. (۱۳۹۶). رقم سیاه چالشی فراوری آمار جنایی رسمی، با رویکردی تطبیقی بر آمریکا و ایران، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸ شماره ۱.
۷. حمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر.
۸. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. رحمدل، منصور. (۱۳۸۳). کاربرد آمار جنایی، مجله حقوقی دادگستری، زمستان، شماره ۴۸.
۱۰. رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی، چاپ چهارم، انتشارات فروزش، تبریز.

۱۱. رضوی، محمد. (۱۳۸۶). جرائم سایبری و نقش پلیس در پیشگیری از این جرائم و کشف آن‌ها، فصلنامه دانش انتظامی، تابستان، شماره ۳۳
۱۲. سیدثانی زاده، سید مهدی. (۱۳۹۲). بررسی جرم شناختی جرائم تقلیدی، دایره المعارف علوم جنایی، مجموعه مقالات علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، نشر میزان
۱۳. صبوری پور، مهدی. (۱۳۹۳). نظام ملی گزارش دهی واقع محور (ترجمه)، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، جلد دوم، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران، نشر میزان
۱۴. فرجیها، محمد. (۱۳۸۳). میزگرد پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۸-۴۹.
۱۵. کی نیا، مهدی. (۱۳۷۶). مبانی جرم‌شناسی، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. گسن، ریموند. (۱۳۸۵). جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات مجد.
۱۷. مال میر، محمود و زر رخ، احسان. (۱۳۸۹). پیشگیری از بزه دیدگی سایبری، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره هفتم.
۱۸. مگوایر، مایک، راد مورگان و رابرت رینر. (۱۳۹۵). دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، جلد چهارم، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۱۹. منفرد محبوبه و دربندی فراهانی، الهام. (۱۳۹۰). طراحی نظام آمار عدالت کیفری، چاپ اول، نشر میزان.
۲۰. موذن زادگان، حسنعلی و نوروزی، سمیه. (۱۳۹۶). علل و عوامل ارتکاب جرم منازعه و راه‌های پیشگیری از آن. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره سوم، شماره ۳۵.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۳). تقریرات درس جرم‌شناسی دوره کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تدوین محمدکاظم تقریری
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۰). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۳. نسل، محمدرضا. (۱۳۸۷). رساله دکتری پلیس و سیاست جنایی پیشگیرانه
۲۴. وایت، راب و هینز، فیونا. (۱۳۸۵). جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ دوم، قم، انتشارات دانشگاه و حوزه.
۲۵. وروایی، اکبر. (۱۳۹۳). پیمایش‌های بزه دیدگی (ترجمه)، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۲۶. ویلیامز، فرانک و مک شین، مارلین دی. (۱۳۹۸). نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه ملک محمدی، چاپ هفتم، تهران، میزان.
27. Ahmad, Kamal (2005). The Law of Cyber-Space. An Invitation to the Table of Negotiations. Published by United Nations Institute for Training and Research
28. Ashori, Mohammad (2007). An Introduction to Internet and computer Crimes, New Aspects of Criminality" Written by Boroman Bastani, Behnam Publication Tehran (in sian)
29. Carrabine, Eamonn et al (2009). Criminology A Sociological Introduction, Second Edition, Routledge, New York
30. Michael Rand and Shannan Catalano, Criminal Victimization, (2006) Washington, DC: Bureau of Justice Statistics, www.ojp.usdoj.gov/bjs/pub/pdf/cv06.pdf
- 31-Siegel, Larry J (2012). Criminology, Eleventh Edition, Wadsworth Cengage Stuart, Biegle (2001). Beyond our control? Confronting the Limits of Our Legal System in the Age of Cyber Space. The MIT Press. Cambridge. Massachusetts. London E